

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۲۲۳

بیان احکام

توضیح احکام اسلام و پاسخ های فقهی سید احمد الحسن علیه السلام

احکام مروّره

واثق الحسینی

بیان احکام

توضیح احکام اسلام و پاسخ های فقهی سید احمد الحسن (عج)

احکام روزه

به قلم

سید واثق الحسینی

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)

نام کتاب	بیان احکام، احکام روزه
نام کتاب اصلی	بیان الاحکام - احکام الصیام
نویسنده	سید واثق الحسینی
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام)
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۴۰۴
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۴۶ق/ ۲۰۲۵م
کد کتاب	۲۲۳
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن (علیه السلام)

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

فهرست.....	۷
پیشگفتار	۱۱
مقدمه.....	۱۷
معنای روزه.....	۱۷
تشریح روزه	۱۸
در تشریح روزه، حکمت‌های بسیاری نهفته است	۲۰
فضیلت روزه‌دار.....	۲۵
انواع روزه	۲۹
نوع اول: روزه واجب	۲۹
نوع دوم: روزه مستحب.....	۲۹
نوع سوم: روزه مکروه	۳۱
نوع چهارم: روزه ممنوع (حرام).....	۳۲
روزه ماه مبارک رمضان	۳۵
فضیلت ماه رمضان	۳۵
نشانه‌های اثبات ماه مبارک رمضان.....	۴۲
نشانه‌های معتبر برای اثبات ماه رمضان.....	۴۳
نشانه‌های نامعتبر برای اثبات هلال	۴۵
زمانی که روزه در آن صحیح است	۵۱
روزه و احکام متعلق به آن	۵۵
نیّت روزه	۵۵
وقت نیت.....	۵۵
نیت روزه ماه رمضان	۵۶
حکم تردید در نیت.....	۵۶

۵۷.....	نیت روزه یوم الشک
۵۸.....	چیزهایی که روزه دار از آنها خودداری می کند (مفطرات)
۵۸.....	اول: خوردنی ها
۵۸.....	دوم: نوشیدنی ها
۶۰.....	سوم: جماع
۶۰.....	چهارم: دروغ بستن به خدا و پیامبر و امامان و مهدیون علیهم السلام
۶۱.....	پنجم: فرورفتن در آب
۶۱.....	ششم: رساندن غبار به خلق
۶۲.....	هفتم: استنشاق دود (تدخین)
۶۲.....	هشتم: باقی ماندن بر جنابت به طور عمدی تا طلوع فجر بدون هیچ ضرورتی
۶۳.....	نهم: شیاف مایع
۶۴.....	آنچه برای روزه دار مکروه است
۶۵.....	آنچه روزه دار باید در مقابل باطل کردن روزه اش انجام دهد
۶۵.....	موارد وجوب قضا و کفاره
۶۶.....	انواع روزه هایی که هم قضا دارند و هم کفاره
۶۷.....	ویژگی های کفاره
۷۰.....	مواردی که فقط قضا واجب می شود و کفاره ندارد
۷۳.....	شرایط لازم در روزه
۷۳.....	اول: شرایط لازم برای وجوب روزه بر مکلف
۷۳.....	شرط اول: بلوغ
۷۳.....	شرط دوم: کامل بودن عقل
۷۵.....	شرط سوم: سلامت از بیماری
۷۶.....	شرط چهارم: اقامت
۷۶.....	شرط پنجم: داشتن حکم مقیم و این که مقیم محسوب شود
۷۷.....	شرط ششم: پاک بودن از حیض
۷۷.....	شرط هفتم: پاک بودن از نفاس
۷۷.....	دوم: شرایط لازم برای کسی که روزه توسط او صحیح است
۷۸.....	شرط اول: عاقل بودن

شرط دوم: ایمان به خداوند متعال و فرستاده‌اش و امامان و مهدیون (علیهم‌السلام)	۷۸
شرط سوم: طهارت زن از حیض و نفاس	۷۸
شرط چهارم: پاک بودن از جنابت	۷۹
شرط پنجم: حضور در وطن خود، یا حکم مقیم که نمازش کامل باشد	۷۹
شرط ششم: نبود مرضی که روزه با آن صحیح نباشد	۸۰
سوم: شرایط لازم برای کسی که قضای روزه بر او واجب شده است	۸۰
افرادی که قضای روزه بر آنان واجب است	۸۱
احکام قضای روزه	۸۲
قضای ولیّ از طرف میت	۸۴
مسائل مربوط به کسانی که افطار در ماه رمضان برایشان جایز است	۸۷
کسانی که مستحب است از مفطرات خودداری کنند	۹۱
روزه‌های کفاره‌ای	۹۳
احکام اعتکاف	۹۷
شرایط درستی اعتکاف	۹۸
شرایط اعتکاف	۹۸
انواع اعتکاف	۱۰۳
اموری که بر معتکف حرام می‌شود	۱۰۴
آنچه اعتکاف را باطل می‌کند	۱۰۵

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ستایش از آن خداوند یگانه یکتای بی‌همتای بی‌نیازی است که ما را به دین خود هدایت فرمود، به‌سوی آنچه ما را به آن فراخواند توفیق عطا فرمود، و به پیروی از حجت‌هایش و ولایت بهترین خلقش، آن نبی برگزیده امینش، محمد ﷺ و اوصیای پاکِ مطهرِ بابرکت هدایت‌یافته هدایتگر رهنمون داشت؛ سلام و درود خداوند بر همه آنان باد!

علم فقه در دین الهی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا علمی است که وظیفه شرعی مکلف را در برابر وقایعی که خالی از حکمی الهی نیستند مشخص می‌کند و می‌توان از آن به‌عنوان «قانون الهی» تعبیر کرد که به اعمال و زندگی عملی مکلفین مربوط می‌شود؛ قانونی که خداوند متعال آن را برای سامان‌دهی رابطه انسان با پروردگارش - مثل عبادات - و نیز تنظیم رابطه‌اش با جامعه - مثل معاملات - تشریع کرده است؛ و بندهای این قانون «احکام شرعی عملی» نامیده می‌شوند.

پس معنای علم فقه از دیدگاه شرعی عبارت است از علمی درباره احکام شرعی عملی مکلفین؛ همان احکامی که خداوند ما را در دنیای امتحان به انجامشان مأمور و موظف فرمود تا فرمان‌بردار از نافرمان، و پیرو از مخالف بازشناخته شود؛ و براساس آنها پاداش و کیفر را مقرر گردانند.

از این‌رو بر هر مؤمنی که به بندگی خداوند متعال و اطاعت از خلفایش ﷺ معترف است و از شریعت اسلامی پیروی می‌نماید، لازم و ضروری است در هر بُعدی از ابعاد زندگی‌اش، حکم خداوند را در آن زمینه بشناسد (دست‌کم آنچه را که در زندگی عملی‌اش به آن نیاز دارد) تا بداند خداوند چه چیزی را بر او واجب کرده، از چه چیزی نهی‌اش نموده، به چه کاری تشویقش

کرده، ترک چه چیزی را فضیلت و برتر دانسته، و چه چیزی را برایش مباح قرار داده است؛ یعنی «احکام شرعی» را - که در پرتو آنها بندگی خداوند را به جا می آورد - بشناسد، تا نه آنچه را خدا فرمان داده است ترک کند و نه آنچه را خداوند نهی کرده است مرتکب شود؛ و به این ترتیب همواره در جایگاه عبودیت و بندگی خداوند تبارک و تعالی باقی بماند.

به سبب اهمیت فقه آموزی در دین الهی، در احادیث اهل بیت طاهر (علیهم السلام)، بر یادگیری آن تأکید شده است. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود: «خداوند با چیزی بهتر از فقه در دین عبادت نشده است.»^۱

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده است: «هرگاه خداوند برای بنده ای خیری بخواهد او را در دین فقیه می گرداند و یقین را به او الهام می کند.»^۲

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «در دین خدا تفقه کنید و دانا شوید، و همچون اعراب بادیه نشین نباشید؛ زیرا کسی که در دین خدا تفقه نکند خداوند در روز قیامت به او نظر نمی کند و عملش را پاکیزه نمی گرداند.»^۳

از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده است: «در دین خدا تفقه کنید؛ زیرا فقه کلید بصیرت، کمال عبادت، وسیله رسیدن به منزلت های رفیع و مراتب عالی در دین و دنیاست؛ و برتری فقیه بر عابد، همچون برتری خورشید بر ستارگان است. کسی که در دینش تفقه نکند خداوند به هیچ عملی از او رضایت نمی دهد.»^۴

سید احمد الحسن (علیه السلام) فرموده است: «احکام شرعی، و آموختن آنها بر هر مسلمانی واجب است؛ زیرا در زندگی اش مثل معاملات - به آنها مبتلاست، و درست مثل عبادات به انجامشان

۱. میزان الحکمة: ج ۳ ص ۲۴۵۴.

۲. غرر الحکم: ۴۱۳۳.

۳. بحار الانوار: ج ۷، باب اصول المتیقن.

۴. بحار الانوار: ج ۷۸ ص ۳۲۱.

تکلیف شده است، و حتی وظیفه هر مسلمانی است که پس از یادگیری آنها یا یادگیری قسمتی از آنها، آن را به برادران مسلمانانش بیاموزد.^۱

خداوند عزوجل در کتاب گران قدرش مبانی احکام شریعت را بیان فرموده، و شرح و تبیین جزئیات آن را به خلیفه خود در هر زمان واگذار کرده، و او را سرپرست آن قرار داده، و دستور داده است که هرآنچه را او بیاورد بپذیریم و از هرآنچه نهی کند دوری گزینیم. خداوند عزوجل می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۲ (آنچه را رسول به شما داد بپذیرید و از آنچه شما را از آن نهی کرد بازایستید؛ و از خدا پروا کنید، که خدا سخت کیفر است)؛ و مؤمنان را تشویق کرده (به حد کفایت) به سوی او بروند، از او بیاموزند و آموزه هایش را منتشر کنند، چنان که می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۳ (و شایسته نیست مؤمنان جملگی رهسپار شوند. پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته ای رهسپار نمی شوند تا در دین دانا و فقیه شوند، و هنگامی که به سوی قوم خود بازگشتند آنان را بیم دهند، باشد که آنان حذر کنند).

از همین رو علم خلیفه خدا به احکام واقعی فقهی، به عنوان یکی از نشانه هایی برشمرده شده است که به وسیله اش قائم علیه السلام شناخته می شود. در روایتی از حارث بن مُعَیْره نصری آمده است: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام قائم علیه السلام با چه چیزی شناخته می شود؟ فرمود: «با آرامش و وقار.» گفتم: و با چه چیز دیگری؟ فرمود: «او را با شناخت حلال و حرام می شناسی؛ و با این ویژگی که مردم به او نیازمندند و او به هیچ کس نیاز ندارد؛ و سلاح رسول خدا نزد اوست.» گفتم: آیا ممکن است جز وصی پسر وصی باشد؟ فرمود: «نه؛ او جز وصی فرزند

۱. کتاب گوساله، سید احمد الحسن: ص ۱۴۷.

۲. حشر: ۷.

۳. توبه: ۱۲۲.

وصی نخواهد بود.»^۱

خداوند در زمان ما با خلیفه خود در زمینش سید احمد الحسن (علیه السلام) بر ما تفضل فرمود، و او را با علم و نور و برهانش یاری و تأیید نمود؛ و با شناساندن او به ما و هدایت ما به پیروی از او بر ما منت نهاد.

در پرتو این رویکرد الهی با حمایت و پشتیبانی خلیفه‌اش به وسیله علم، خلیفه خدا سید احمد الحسن (علیه السلام) با دست مبارک خود احکام شریعت اسلامی و احکام الهی واقعی موجود در آن را به تفصیل، در کتاب «شرایع الاسلام» (احکام اسلام) و نیز در پاسخ‌های خود به پرسش‌های مؤمنان درباره مسائل حلال و حرام به رشته تحریر درآورده است.

ایشان (علیه السلام) خواستار نشر و گسترش فقه در میان مؤمنان شده و فرموده است: «نشر فقه دینی در میان مؤمنان: این وظیفه هر مؤمن، و یک واجب شرعی است؛ زیرا مقدمه همه عبادات و شرط صحت معاملات است، اما هرکس به اندازه توان و ظرفیت خودش.»^۲

در راستای عمل به سخن ایشان (علیه السلام) در خصوص نشر فقه دینی در میان مؤمنان، و از آنجاکه فهم عبارت‌های کتاب «احکام اسلام» برای برخی از مؤمنان دشوار است، شرح و تبیین آن را راهی برای نشر و گسترش فقه و آموزش آن به مؤمنان یافتیم؛ از این رو از سید احمد الحسن (علیه السلام) در این خصوص مشورت گرفتیم، و ایشان در پاسخ فرمود: «شما می‌توانی کتاب فقهی ساده‌ای برای عموم مردم بنویسی؛ این کار بسیار خوبی است؛ و همه احکام مطرح‌شده -چه در کتاب شرایع و چه دیگر کتاب‌های فقهی- را در آن بگنجان؛ اما آن را با عبارت‌هایی ساده بنویس، به‌طوری که همه مردم بتوانند درکش کنند. خداوند شما را موفق گرداند و گام‌هایتان را استوار سازد.»^۳

۱. غیبت، نعمانی: ص ۱۲۹.

۲. الطريق إلى الله (راه به سوی خدا)، سید احمد الحسن: ص ۶۰.

۳. گفت‌وگوی خصوصی با سید احمد الحسن.

به این ترتیب خداوند با نگارش مجموعه‌ای از کتاب‌های فقهی با عنوان «بیان احکام» بر بنده عنایت فرمود و بنده در هر مجلد، به یکی از باب‌های فقه پرداخته‌ام تا مکلف بتواند به راحتی نیاز خود را برآورده کند، و یادگیری هر باب فقهی به صورت جداگانه برایش آسان گردد. بنده در این مجموعه تلاش کرده‌ام عبارت‌های کتاب «احکام اسلام» را با سبکی میانه و ساده توضیح دهم، به گونه‌ای که برای خواننده گرامی قابل فهم باشد، و پاسخ‌های فقهی عملی مربوط به هر باب را که مکلف به آنها نیاز دارد نیز ضمیمه کرده‌ام، و آنها را به شکلی نوشته‌ام که با سبک کتاب هماهنگ باشد.

در حالی که از خداوند تبارک و تعالی خواستارم این عمل را بپذیرد و آن را برای خودش خالص گرداند، و مردم را از آن بهره‌مند سازد، و ما را نیز در آن روزی که نه مال سودی دارد و نه فرزندان به جز آن که با دلی پاک به نزد خدا آید، به واسطه اش بهره‌مند گرداند.

خواننده گرامی، کتابی که در دست دارید به بیان احکام شرعی مربوط به کتاب روزه و مسائل و احکام متعلق به آن اختصاص دارد. این کتاب شامل احکام شرعی الهی است که سید احمد الحسن رحمته‌الله در کتاب شرایع اسلام و در پاسخ‌های فقهی صادر شده از ایشان رحمته‌الله بیان فرموده، و به صورت مجموعه‌ای از مباحث‌ها تنظیم شده است. در نگارش این مجموعه تلاش شده عبارت‌ها با سبکی ساده و قابل فهم برای عموم مردم تدوین شود، و در عین حال حکم شرعی مدّ نظر حفظ گردد، تا عمل طبق آنچه در این کتاب آمده است موجب برائت ذمه مکلف در پیشگاه خداوند عزّوجلّ شود.

و توفیق من جز به وسیله خدا نیست؛ بر او توکل کرده‌ام، و به سوی او بازمی‌گردم.

و از شما عزیزانم در راه خدا، خواستار دعای خیر هستم.

واثق الحسینی

۱۵ شعبان ۱۴۴۶ق

۲۵/۲/۱۴۲۰م

[۲۶ بهمن ۱۴۰۳ش]

مقدمه

معنای روزه

معنای روزه از نظر لغوی: به‌طور کلی به معنای «امساک» (خودداری و پرهیز) است؛ چه خودداری از انجام فعل و حرکتی باشد، چه از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، و چه از شهوات. به معنای سکوت و سخن نگفتن نیز به‌کار می‌رود، اگر فرد از سخن گفتن با دیگران خودداری کند و با هیچ‌کس سخن نگوید، چنان‌که در کلام خداوند متعال در حکایت از روزهٔ مریم علیها السلام آمده است: ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾^۱ (من برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام؛ پس امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت).

روزه به معنایی والاتر از این نیز آمده است که روزهٔ مریم علیها السلام و بالاتر از آن را شامل می‌شود؛ و این زمانی است که بنده از «من» و «منیت» روزه می‌گیرد و در این صورت «خداوند» خودش پاداش آن روزه خواهد بود:

«یعنی انسان از مردم احساس بیگانگی کند و با خدای سبحان مأنوس باشد؛ و این همان آغاز و پایانی است که ثمره‌اش چنین می‌شود: خداوند خودش پاداش روزه‌ای است که آن روزه عبارت باشد از روزهٔ از «من»؛ و این هنگامی است که بنده بر صراط مستقیم سیر کند درحالی‌که می‌داند و معتقد است و می‌بیند وجود اجباری و بقای ظنی او به‌جهت شائبهٔ عدم و ظلمت است که با نور مخلوط است؛ و این همان گناهی است که از بنده جدا نمی‌شود، و گذشتهٔ بنده و حال و آیندهٔ اوست. پس اگر

بنده از «من» روی برگرداند، و مخلصانه خواهان دور ساختن صفحه ظلمت و عدم باشد، و خداوند سبحان و متعال دعایش را اجابت فرماید، جز خدای واحد قهار بر جای نمی ماند و زمین با نور پروردگارش روشن می شود و نامه های اعمال آورده می شوند و گفته می شود سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.»^۱

و این همان معنای وارد شده در حدیث قدسی است: «روزه برای من است و من خودم پاداش آن هستم.»^۲

اما معنای روزه در اصطلاح شرعی: پرهیز از آنچه روزه را باطل می کند با قصد و نیت.

یعنی خودداری از خوردن و آشامیدن و شهوات و دیگر چیزهایی که از نظر شرعی روزه را باطل می کنند، از طلوع فجر تا غروب خورشید، به همراه نیت قربت به سوی خداوند تبارک و تعالی (و روزه به این معنا موضوع مورد بحث ماست، و ان شاء الله تعالی در ادامه به تفصیل به بیان احکام آن خواهیم پرداخت).

تشریع روزه

روزه از جمله عبادات مهمی است که خداوند پس از هجرت پیامبر ﷺ و همراهانش از مکه مکرمه به مدینه منوره بر مسلمانان واجب کرد؛ و این به آن سبب بود که پیامبر اعظم ﷺ در آغاز دعوت الهی، در دوران مکی، دغدغه اصلی اش ویران کردن بنای باطل، رد پرستش طاغوت، پایه گذاری و تثبیت عقاید حق، و تحکیم و استوارسازی اصول توحید و ارکان ایمان و ارزش های اخلاقی در دل ها و اندیشه ها و افکار و رفتارها، و پاک سازی آنها از رسوبات و بقایای جاهلیت بود؛ و این در سوره های مکی قرآن و در تاریخ سیره پیامبر ﷺ به روشنی دیده می شود.

۱. متشابهات، سید احمد الحسن: ج ۱، پاسخ سؤال ۱۳.

۲. کافی، کلینی: ج ۴، ص ۶۳، ح ۶.

سپس بعد از هجرت، مسلمانان به امتی با هویتی مستقل تبدیل شدند و در میان آنها افرادی بودند که روح ایمان در دل هایشان ریشه دوانده بود، به طوری که شایسته خطاب الهی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید) گردیده بودند؛ و به این ترتیب مرحله تشریع فرائض و سنت‌ها و احکام آغاز شد؛ و این نیز به روشنی در آیات سوره‌های مدنی قرآن و در احادیث و سیره پیامبر ﷺ قابل مشاهده است.

در سال دوم هجرت، خداوند تشریع فریضه روزه را نازل، و آن را بر مسلمانان واجب کرد، و آنان را با خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید)، مفتخر فرمود، آنجا که خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شد، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید)؛ و به منظور ترغیب و تشویقشان، آنها را از منافع و خیر روزه آگاه کرد، آنجا که حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲ (و این که روزه بگیرید به نفع شماست، اگر می‌دانستید)؛ و روزه را از نعمت‌های خود برشمرد، و آنان را به کامل کردن روزهای روزه (در ماه مبارک رمضان) راهنمایی کرد؛ و این که سپس در شب و روز عید فطر تسبیح‌گویان خدا را به بزرگی یاد کنند و او را به خاطر نعمت‌ها و هدایت به دینش شکرگزاری کنند، آنجا که حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۳ (و تا شمار آن را کامل کنید، و خدا را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است بزرگ بشمارید؛ و باشد که شکرگزار باشید).

خداوند متعال امت اسلامی را به این تکلیف مفتخر گرداند؛ چنان که از امام صادق (ع) روایت شده است: «خداوند روزه ماه رمضان را فقط بر انبیا واجب کرده بود، نه بر امت‌ها؛ پس خداوند به واسطه این روزه، امت اسلامی را برتری داد و روزه‌داری آن را بر رسول خدا ﷺ و

۱. بقره: ۱۸۳.

۲. بقره: ۱۸۴.

۳. بقره: ۱۸۵.

امتش واجب گرداند.»^۱

فریضه روزه از ارکان اسلام و پایه‌هایی برشمرده می‌شود که اسلام بر آن بنا شده است. از امام باقر (ع) روایت شده است: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.»^۲

روزه یکی از درهای خیر و نیکی و سپری در برابر آتش دوزخ است. از امام صادق (ع) روایت شده که به علی بن عبدالعزیز فرمود: «آیا تو را از درهای خیر آگاه نکنم؟ روزه، سپری در برابر آتش [جهنم] است.»^۳

در تشریع روزه، حکمت‌های بسیاری نهفته است

«حکم شرعی عبارت است از حکمی تعبدی برای امتحان و آزمودن خلق، و الزاماً ضروری نیست علتی بیش از این داشته باشد.»^۴

البته ممکن است در تشریع حکم شرعی، حکمت یا حکمت‌هایی نهفته باشد. خداوند تبارک و تعالی در تشریع روزه و واجب ساختن آن بر بندگان حکمت‌هایی قرار داده که اگر بندگان اطاعت و پیروی کنند، عبادت را به جا آورند و از این آزمون سربلند بیرون آیند به صلاح و مصلحت خودشان خواهد بود.

حکمت‌های تشریع روزه فراوان اند و ما به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

• از جمله تقوا؛ و ما این را به‌وضوح در آیه پیش گفته مشاهده می‌کنیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

۱. من لا يحضره الفقيه: شيخ صدوق: ج ۲، ص ۶۲.

۲. من لا يحضره الفقيه: ج ۲، ص ۷۴.

۳. من لا يحضره الفقيه: ج ۲، ص ۷۵.

۴. پاسخ‌های فقهی، متفرقه: ج ۲، ص ۱۱.

أَمَّنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شد، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید)؛ و سید احمد الحسن رحمه‌الله در تبیین معنای این آیه مبارک می‌فرماید:

«این تقوا باعث می‌شود انسان در تمام حرکت‌ها و سکون‌هایش، خداوند را در نظر داشته باشد؛ پس این چنین بنده‌ای، ذاکر خداوند سبحان و متعال است؛ حال چطور ممکن است خداوند از او یاد نکند و هرآنچه را برای نجات و رستگاری نیاز دارد برای او تبیین نکند و به او نشاناند؟! از این رو فرد باتقوا ابزار بازشناسی و تمایز قائل شدن میان حق و باطل را -که همان نور یا فرقان است- دارا شده است. انسان باتقوا حق را می‌شناسد و از آن پیروی می‌کند، و باطل را می‌شناسد و از آن دوری می‌گزیند. بنابراین نتیجه تقوا عبارت است از درجه‌ای از درجات عصمت که خداوند با آن بر کسی که بهایش را بپردازد منت می‌نهد، و بهای آن عبارت است همواره خدا را ناظر دیدن و ذکر او در همه حال، و انجام هرآنچه مورد رضای اوست و اجتناب از هرآنچه او نمی‌پسندد.»^۲

و این یعنی خداوند عزوجل روزه را تشریع کرده با این امید که روزه‌دار به مرتبه‌ای عظیم یعنی تقوا- دست یابد؛ همان تقوایی که زاد و توشه واقعی مؤمن به شمار می‌رود: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾^۳ (و زاد و توشه بردارید، که یقیناً بهترین توشه تقواست، و از من پروا کنید ای خردمندان)؛ و روزه بهترین وسیله برای رسیدن به مراتب تقوا و توشه گرفتن از آن، برای کسی است که اطاعت کرده باشد، روزه گرفته باشد و از دستور خداوند پیروی کرده باشد.

۱. بقره: ۱۸۳.

۲. پاسخ‌های روشن‌گر، سید احمد الحسن: ج ۵، ص ۹.

۳. بقره: ۱۹۷.

• از دیگر حکمت‌های روزه، یادآوری آخرت و شکستن نفس در برابر شهوات است.

از امام رضا (ع) روایت شده است: «روزه واجب شد تا بنده گرسنگی و تشنگی را لمس کند، تا به این وسیله بنده‌ای خاضع و فروتن، مطیع، صاحب اجر و پاداش، راضی، صبور و شکوبا باشد، و این [روزه] برای او دلیل و راهنمایی باشد برای سختی‌های آخرت؛ و افزون بر آن، عاملی برای شکستن نفس در برابر شهوات، پندی برای او در این دنیا، و راهنما و دلیلی برای آخرت گردد، تا شدت سختی آن را که فقیران و تهیدستان در دنیا و آخرت با آن روبه‌رو هستند درک کند.»^۱

و از ایشان (ع) روایت شده است: «تا درد گرسنگی و تشنگی را بشناسند، و این‌گونه به فقر و نیازمندی در آخرت پی ببرند...»^۲

• از دیگر حکمت‌های روزه، تثبیت اخلاص برای خدا در عمل است؛ زیرا روزه عبادتی است میان بنده و پروردگارش، که بنده به وسیله آن به خداوند سبحان تقرب می‌جوید، و به همین منظور باید نیت در آن، خالی از ریا و دیگر آفات عبادت باشد؛ نیتی خالص برای خداوند متعال؛ و این نکته‌ای است که سرور بانوان دو عالم (ع) در خطبه خود به آن اشاره فرموده است: «خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص واجب گرداند.»^۳ پس روزه‌دار می‌تواند روزه‌اش را پنهان دارد، و حال و روز خود را در برابر مردم آشکار نسازد، و در نتیجه روزه عبادتی می‌شود میان او و پروردگارش که از دید دیگران پوشیده است. همین معنا را امیرالمؤمنین (ع) نیز بیان فرموده است: «روزه عبادتی است میان بنده و آفریدگارش که هیچ‌کس جز او از آن آگاه نمی‌شود، و این چنین پاداش آن را جز خود او نمی‌دهد.»^۴

۱. وسائل الشیعة: ج ۱۰، باب وجوب الصوم و نیته، ح ۱۲۶۹۹.

۲. بحارالانوار: ج ۹۳، ص ۳۶۹.

۳. بحارالانوار: ۳۶۸، ۹۶.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید: ج ۲۰، ص ۲۹۶.

• از دیگر حکمت‌های روزه، صبر بر سختی‌ها و گرفتاری‌هاست. از امام صادق (علیه السلام) درباره فرمایش خداوند عزوجل «و از صبر یاری بجوید»، نقل شده است «صبر یعنی روزه». و نیز فرموده است: «هرگاه برای کسی گرفتاری یا مشکلی پیش آمد روزه بگیرد، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ﴾ (و از صبر یاری بجوید)؛ یعنی روزه بگیرد.»^۱

• از دیگر حکمت‌های روزه، احساس رنج و درد نیازمندان و فقر است؛ و این نکته‌ای است که امام صادق (علیه السلام) بیان فرموده است: «خداوند عزوجل روزه را واجب گرداند تا به وسیله آن ثروتمند و فقیر با هم مساوی شوند. شخص ثروتمند هرگز طعم گرسنگی را نچشیده تا به حال فقیر رحم کند؛ زیرا ثروتمند هرگاه چیزی خواسته، توانسته آن را داشته باشد. پس خداوند عزوجل خواست میان بندگان برابری برقرار کند تا به ثروتمند طعم گرسنگی و درد را بچشاند و این گونه دلش برای فقیر بسوزد و به گرسنه رحم کند.»^۲

• از دیگر حکمت‌ها، روزه، زکات بدن‌هاست؛ همان‌طور که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «هرچیزی زکاتی دارد، و روزه زکات بدن‌هاست.»^۳

• از جمله، سلامت روح و بدن؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «روزه بگیرد تا سلامت باشید.»^۴

و امام علی (علیه السلام) فرموده است: «روزه یکی از دو سلامتی است.»^۵

سید احمد الحسن (علیه السلام) به برخی از حکمت‌های روزه چنین اشاره کرده است:

«این عبادت - علاوه بر تقوای الهی - موجبات توجه و اهتمام به وضعیت مسلمانان

۱. وسائل الشیعة: ج ۱۰، باب وجوب الصوم و نیته، ح ۱۲۶۹۸.

۲. وسائل الشیعة: ج ۱۰، باب وجوب الصوم و نیته، ح ۱۲۶۹۷.

۳. بحارالانوار، شیخ مجلسی: ج ۹۶، ص ۲۴۶.

۴. بحارالانوار، شیخ مجلسی: ج ۹۶، ص ۲۵۵.

۵. غرر الحکم، آمدی: ۳۹.

فقیّر را در نفس انسان پرورش می‌دهد. بنابراین روزِ روزه‌ات را با فکر کردن دربارهٔ افطار و نوع غذایی که میل خواهی کرد سپری نکن. پس زمانی که روزه‌دار هستی و احساس گرسنگی می‌کنی به یاد بیاور مسلمانانی را که بیشتر روزهای سال گرسنه هستند، و از کسانی نباش که ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوا لِلَّذِيْنَ آمَنُوا أَنْنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا به شما روزی داده است انفاق کنید، آنان که کفر ورزیده‌اند به مؤمنان می‌گویند: آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست خودش او را اطعام می‌کرد؟! شما جز در گمراهی آشکار نیستید).

و البته تنها کاری که از تو برمی‌آید فقط اطعام چند فقیر و نیازمند نیست؛ بلکه همهٔ ما وظیفه داریم برای رفع فقر از چهرهٔ این مسلمانانی تلاش کنیم که امروز بیشتر جمعیت امتِ ثروتمند اسلامی را - که از انواع ثروت‌ها برخوردار است - تشکیل می‌دهند....

ای عزیزان! در روزه، تأمل و تفکر و اندیشه در احوال مسلمین هست. در روزه، جهاد با نفس و شیطان و با هوای نفسانی و زرق و برق دنیا هست؛ و در روزه، محبت در راه خدا و دشمنی در راه خدا هست. در دلِ روزه‌دار، رحمت برای مؤمنان، و شدت و خشم در برابر کافران و منافقان هست؛ پس برحذر باشید از این که روزه‌تان فقط گرسنگی و تشنگی باشد.^۱

اینها اندکی از حکمت‌های روزه بود، و البته حکمت‌های دیگری نیز دربارهٔ روزه در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است که به دلیل پرهیز از اطالهٔ کلام در اینجا فقط به برخی از آنها بسنده کردم.

فضیلت روزه‌دار

خداوند متعال برای روزه‌داری که به فرمان الهی گردن می‌نهد و این فریضه را به جا می‌آورد فضیلتی بس بزرگ قرار داده است؛ فضیلتی که در بسیاری از روایات بر زبان پیامبر و اهل بیتش علیهم‌السلام جاری شده است؛ از جمله:

از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «خداوند تبارک و تعالی فرشتگانی را مأمور دعا برای روزه‌داران کرده است.» و فرمود: «جبرئیل از جانب پروردگار متعالش به من خبر داد که خداوند فرموده است: من به فرشتگانم فرمان نداده‌ام برای هیچ‌یک از بندگانم دعا کنند، مگر آن که دعایشان برای او را مستجاب ساخته‌ام.»^۱

از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است: «خداوند تبارک و تعالی فرموده است: روزه برای من است و من خود پاداش آن هستم. روزه‌دار دو زمان شادمانی دارد: زمانی که افطار می‌کند، و زمانی که پروردگارش عزّوجل را دیدار می‌کند. سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، بوی بد دهان روزه‌دار نزد خداوند خوش‌تر از بوی مشک است.»^۲

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «کسی که در روزی بسیار گرم و سخت و طاقت‌فرسا، فقط برای خداوند عزّوجل روزه بگیرد و بسیار تشنه شود، خداوند هزار فرشته را بر او می‌گمارد تا چهره‌اش را نوازش کنند و او را بشارت دهند، و هنگامی که افطار کرد خداوند عزّوجل به او می‌فرماید: چه خوش‌بوست بوی تو و جان تو. ای فرشتگانم، گواه باشید من او را آمرزیده‌ام.»^۳

همچنین از ایشان علیه‌السلام نقل شده است: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «روزه‌دار همواره در حال عبادت است، حتی اگر بر بستر خود باشد، مادام که مسلمانی را غیبت نکند.»^۴

۱. من لا یحضره الفقیه: ج ۲، ص ۷۶.

۲. من لا یحضره الفقیه: ج ۲، ص ۷۵.

۳. کافی: ج ۴، کتاب الصیام.

۴. کافی: ج ۴، باب فضل شهر رمضان.

باید توجه داشته باشیم فضیلت‌هایی از قبیل نیل به رضای الهی، و عفو و بخشش و مغفرت، و بسیاری دیگر از عطایای الهی که خداوند به روزه‌دار عطا می‌کند، نه به دلیل صرفاً خودداری از خوردن و آشامیدن و سایر باطل‌کننده‌های روزه است، زیرا در غیر این صورت رسول خدا ﷺ نمی‌فرمود «چه بسا روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای ندارد»،^۱ و نمی‌فرمود «چه بسا روزه‌داری که بهره‌اش از روزه فقط گرسنگی و تشنگی است، و چه بسا شب‌زنده‌داری که بهره‌اش از شب‌زنده‌داری، فقط بی‌خوابی است»،^۲ بلکه خودداری از خوردن و آشامیدن، فقط جلوه‌ای از روزه‌داری است، و حقیقت آن نیست.

پس مؤمن باید نیت خود را در روزه‌داری فقط و فقط در جهت تقرب به خداوند متعال خالص گرداند، و آن را از ریا و خودپسندی و دیگر آفات پاک سازد؛ و همان‌گونه که از مفطرات و آنچه روزه را باطل می‌کند خودداری می‌کند، باید گوش و چشم و زبان و دست و پا و دیگر اعضا و جوارح خود را نیز از آنچه خداوند متعال حرام کرده است باز دارد، و نیز باید از اخلاق ناپسند بپرهیزد و خود را به اخلاق نیکو بیاراید. اینها از روزه‌دار خواسته شده است، چراکه روزه‌دار حقیقی کسی است که اعضا و جوارحش نیز روزه‌دار باشند.

و این همان نکته‌ای است که از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل شده است: «روزه‌دار از روزه‌اش چه سودی می‌برد، اگر زبان و گوش و چشم و اعضا و جوارحش را حفظ نکند؟»^۳

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «روزه فقط خودداری انسان از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه وقتی روزه می‌گیری، باید گوش و چشم و زبان و شکم و عورت نیز روزه‌دار باشند؛ و دست و عورت خود را حفظ کن، و بسیار سکوت کن مگر برای سخن خیر، و با خدمت‌کارت

۱. بحارالانوار، مجلسی: ج ۹۳، ص ۲۹۴.

۲. وسائل الشیعة: ج ۱، ص ۷۲.

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی: ج ۹۳، ص ۲۹۵.

مهربان باش.^۱

بیاید در توصیه‌های امام صادق (علیه السلام) به روزه‌داران تأمل کنیم، و در به کار بستن آنها کوشا باشیم؛ آنجا که می‌فرماید: «پس چون روزه می‌گیرید زبان خود را از دروغ حفظ کنید، دیدگانتان را فرو نهدید، جدال و دشمنی نکنید، حسادت نورزید، غیبت نکنید، ستیز نکنید، دروغ نگوئید، با کسی هم‌بستر نشوید، مخالفت نکنید، خشم نگیرید، ناسزا نگوئید، دشنام ندهید، سستی نکنید، مجادله نکنید، آزار نرسانید، ستم نکنید، سبک‌سرانه و سفیهانه رفتار نکنید، از کوره در نروید، از یاد خدا و نماز غافل نشوید؛ و بر سکوت و بردباری و حلم و صبر و راستی و دوری از اهل شر، و پرهیز از گفتار باطل و دروغ و افترا و خصومت و بدگمانی و غیبت و سخن‌چینی پایبند باشید. دل به آخرت داشته باشید، چشم‌به‌راه روزهایتان باشید، چشم‌به‌راه وعده‌هایی باشید که خداوند به شما داده است، و برای دیدار خداوند زاد و توشه بردارید. بر شما باد آرامش و وقار و خشوع و فروتنی بنده‌ای بیمناک از مولایش؛ بنده‌ای خیر، ترسان، امیدوار، بیمناک، پرهیزگار، مشتاق و هراسان، که دلش از عیوب پاک و طاهر شده، درونش از پلیدی‌ها پاک و منزّه گشته، جسمش از آلودگی‌ها پاک شده، و از دشمنان خدا بیزار است؛ به طوری که در روزها با سکوت از هر آنچه خداوند در آشکار و نهان نهی کرده، با خدا عهد و پیمان بسته‌ای، و در نهان و آشکار از خدا پروا کرده‌ای، و وجودت را در روزهای روزه‌داری‌ات به خدا سپرده‌ای، و دلت را برای او خالی کرده‌ای، و جانت را در آنچه تو را به آن فرمان داده و فراخوانده است به او تقدیم کرده‌ای.

پس اگر همه این کارها را انجام دادی، حقیقتاً و به معنای واقعی کلمه برای خداوند روزه گرفته‌ای، و آنچه را خداوند از تو خواسته است به جا آورده‌ای؛ و هر مقدار در عمل به آنچه برایت بیان کردم کوتاهی کرده باشی، به همان اندازه از روزه‌ات کاسته می‌شود.» سپس فرمود: «روزه فقط خودداری از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه خداوند آن را حجابی در برابر

۲۸..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - بیان احکام، احکام روزه

سایر اعمال و سخنان زشت و ناشایستی که روزه را باطل می‌کند قرار داده است. چه اندک‌اند روزه‌داران واقعی، و چه بسیارند آنان که فقط گرسنگی نصیبشان می‌شود.»^۱

از خداوند می‌خواهیم روزه ما را همچون روزه‌داران مخلص قرار دهد، و اسم ما را در دفتر پرهیزگاران رستگار با محمد و خاندان پاک و مطهرش ثبت فرماید.

پس از آن که به بیان معنای روزه و تشریح آن، و حکمت‌ها و فضیلتش پرداختیم، اکنون به یاری و توفیق الهی- به بیان انواع و احکام روزه می‌پردازیم.

* * *

انواع روزه

روزه به چهار نوع تقسیم می‌شود: واجب، مستحب، مکروه و حرام.

نوع اول: روزه واجب

روزه در شش مورد واجب می‌شود، که عبارت‌اند از:

۱. روزه ماه مبارک رمضان.
۲. روزه قضای واجب، مثل قضای روزه ماه رمضان در صورتی که از دست رفته باشد.
۳. روزه‌های کفاره.
۴. روزه نذر، عهد و قسم.
۵. روزه اعتکاف با شرایط خاص. «اعتکاف» سه روز است، و اگر کسی دو روز معتکف ماند، روزه روز سوم بر او واجب می‌شود؛ اما پیش از آن می‌تواند اعتکاف را رها کند و روزه‌ای بر او واجب نخواهد شد. (توضیح بیشتر در فصل اعتکاف خواهد آمد)
۶. روزه در صورت ناتوانی از قربانی در حج تمتع. اگر حاجی توانایی ذبح قربانی را نداشت (مثلاً پول قربانی را نداشت یا حیوانی برای قربانی نیافت) باید به جای آن ده روز روزه بگیرد.

نوع دوم: روزه مستحب

روزه مستحب ممکن است به زمان خاصی محدود نباشد، مثل روزه گرفتن در سایر روزهای سال که سپری در برابر آتش دوزخ است؛ و گاهی نیز به زمان‌های مشخصی که روزه

در آن ایام مستحب است اختصاص دارد؛ از جمله:

۱. روزه سه روز از هر ماه: پنجشنبه اول ماه، پنجشنبه آخر ماه، و نخستین چهارشنبه از دهه دوم ماه؛ و اگر کسی آن را به تأخیر انداخت مستحب است قضایش را به جا آورد. همچنین جایز است این روزه‌ها را از فصل تابستان به زمستان به تأخیر بیندازد؛ و اگر توانایی روزه گرفتن نداشت، مستحب است به جای هر روز، یک مُدّ (حدود سه چهارم کیلوگرم، یا ۷۵۰ گرم) غذا صدقه بدهد.
۲. روزه «ایام البیض»؛ یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری.
۳. روزه روز غدیر؛ یعنی هجدهم ذی حجه.
۴. روزه روز میلاد پیامبر (ص)؛ یعنی هفدهم ربیع الاول.
۵. روزه روز مبعث پیامبر؛ یعنی بیست و هفتم رجب.
۶. روزه روز دحو الارض؛ یعنی بیست و پنجم ذی قعدة.
۷. روزه روز عرفه؛ یعنی نهم ذی حجه، برای کسی که روزه برای دعا خواندن ضعیفش نکند، و از ثبوت هلال ماه ذی حجه نیز اطمینان حاصل کرده باشد.
۸. روزه عاشورا به نیت حزن و اندوه برای مصیبت امام حسین (علیه السلام). در اینجا منظور روزه کامل روز عاشورا است، نه فقط روزه گرفتن تا نیمروز، به آن صورتی که عده‌ای تصور می‌کنند.
۹. روزه روز مباهله؛ یعنی بیست و چهارم ذی حجه.
۱۰. روزه هر پنجشنبه و هر جمعه.
۱۱. روزه روز اول ذی حجه.

۱۲. روزه دو ماه رجب و شعبان.

در روایات اهل بیت طاهر علیهم السلام آمده است در روزه گرفتن این ایام، فضیلت و ثواب بزرگی نهفته است که در ارتقا و تقرب انسان به خداوند عزوجل نقش دارد.

کسی که این روزها را روزه نمی‌گیرد مستحب است به جای هر روز، یک مُد غذا صدقه دهد.

تذکر: روزه مستحبی به محض شروع لازم نیست حتماً کامل شود، و روزه‌دار می‌تواند هر زمان خواست افطار کند و کامل کردن روزه بر او واجب نیست، ولی مکروه است پس از زوال (نیم‌روز یا وقت اذان ظهر) روزه‌اش را افطار کند.

نکته: نوعی از روزه مستحبی هست که به آن «روزه روح» گفته می‌شود، و منظور از آن این است که انسان به مدت ۳۹ روز از خوردن هرگونه گوشت حیوانات و فرآورده‌های حیوانی خودداری کند. سید احمد الحسن علیه السلام در این خصوص فرموده است:

«بنده بشخصه هر سال در طول ماه ذی‌قعدة و نُه روز اول ذی‌حجه از خوردن گوشت و فرآورده‌های حیوانات پرهیز می‌کنم، و در نُه روز اول ذی‌حجه به این روزه، روزه متعارف را نیز اضافه می‌کنم؛ البته این کار واجب نیست، اما برای تعالی روح انسان، و رشد معنوی و سلامت بدنش مفید است.»^۱

نوع سوم: روزه مکروه

روزه در پنج مورد مکروه است، که عبارت‌اند از:

۱. روزه روز عرفه (روز نهم ذی‌حجه) برای کسی که روزه او را از دعا کردن در این روز ناتوان می‌سازد؛ زیرا دعا در روز عرفه از روزه گرفتن برتر است؛ پس کسی که

۱. پیک صفحه، سید احمد الحسن: ج ۱، ص ۴۹۰.

روزه‌داری توان او را برای دعا سلب می‌کند روزه گرفتن برایش مکروه است.

۲. روزه روز عرفه در صورت شک داشتن در رؤیت هلال ماه و آغاز ماه ذی‌حجه؛ یعنی اگر کسی در شروع ماه ذی‌حجه تردید داشت و نمی‌داندست روزی که می‌خواهد روزه بگیرد عرفه است یا عید قربان، به دلیل احتمال می‌رود آن روز عید باشد و عرفه نباشد بهتر است آن روز را روزه نگیرد.

۳. روزه مستحبی در سفر؛ البته استثنا دارد: مکروه نبودن سه روز روزه در مدینه منوره به‌نیت برآورده شدن حاجت برای کسی که به آنجا سفر کرده است.

۴. روزه مستحب برای مهمان بدون اجازه میزبان.

۵. روزه مستحب فرزند بدون اجازه پدرش.

۶. روزه مستحبی برای کسی که به مهمانی دعوت شده است؛ زیرا اجابت دعوت مؤمن، از روزه مستحب برتر است.

نوع چهارم: روزه ممنوع (حرام)

روزه در هشت مورد حرام است، که عبارت‌اند از:

۱. روزه عیدین؛ و منظور، نخستین روز از عید فطر و عید قربان است.

۲. روزه در ایام تشریق برای کسی که در منا باشد؛ یعنی روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه.

۳. روزه سی‌ام شعبان (یوم‌الشک)، به‌نیت وجوب، و این که نخستین روز ماه رمضان باشد.

۴. روزه نذر معصیت؛ مثلاً کسی که نذر کرده است اگر مؤمنی را بکشد یا مالی را بدزدد یک روز روزه بگیرد.

۵. روزه سکوت؛ یعنی با هیچ کس سخن نگوید.
۶. روزه متصل؛ یعنی شخص نیت کند دو روز را به همراه شب بینشان روزه بگیرد.
۷. روزه مستحب زن بدون اجازه شوهر یا با وجود نهی شوهرش.
۸. روزه واجب در حین سفر، مگر در مواردی که استثنا شده است؛ و استثناها برای روزه واجب در سفر، سه تاست:
 - أ. سه روز روزه به جای قربانی در حج، برای کسی که قربانی نیافته یا توان خرید آن را نداشته باشد.
 - ب. هجده روز روزه در حج، که کفاره کسی است که پیش از غروب آفتاب از عرفات خارج شده است.
 - ج. روزه نذر مشروط، چه در سفر باشد و چه در وطن؛ مثل کسی که نذر کرده باشد هرگاه خبر موفقیت فرزندش را بشنود روزه بگیرد، حتی اگر در سفر باشد.

روزه ماه مبارک رمضان

در این فصل درباره فضیلت ماه رمضان و نشانه‌های حلول آن سخن می‌گوییم.

فضیلت ماه رمضان

ماه مبارک رمضان در دین الهی از جایگاه والایی برخوردار است، چنان‌که خداوند سبحان در کتاب کریم خود از میان ماه‌ها به‌طور خاص فقط از آن نام برده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۱ (ماه رمضان که قرآن در آن نازل شد؛ [همان قرآنی] که برای مردم راهنماست، و نشانه‌هایی روشن برای هدایت و فرقان (جداکننده حق از باطل) است. پس هرکس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بگیرد، و کسی که بیمار یا در سفر باشد در روزهای دیگری به تعداد [روزه] بگیرد. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برایتان سختی نمی‌خواهد؛ و تا تعداد روزها را کامل کنید، و خدا را به پاس این که شما را هدایت کرده، بزرگ بدارید؛ و باشد که سپاسگزار باشید).

اما خداوند متعال درباره دیگر ماه‌ها، فقط به‌صورت کلی و اجمالی به تعدادشان اشاره کرده است: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...﴾^۲ (بی‌گمان شمار ماه‌ها نزد خداوند در کتاب خدا -از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده- دوازده ماه است؛ چهار ماه از آنها حرام‌اند. این

۱. بقره: ۱۸۵.

۲. توبه: ۳۶.

است دین استوار...).

این که در میان ماه‌ها فقط اسم ماه رمضان در قرآن کریم ذکر شده، دلیل روشنی است برای شرافت و برتری این ماه نسبت به سایر ماه‌ها، و این که سرور و بزرگ‌ترین و برترین و محبوب‌ترین ماه‌ها نزد خداوند است. در روایات آمده است رمضان از اسامی خداوند متعال است؛ پس این ماهی است که خداوند آن را به خودش نسبت داده، و از همین رو به عنوان ماه پُر فضیلت خدا توصیف شده؛ ماهی که خداوند بندگان را در آن به مهمانی خود فراخوانده است.

همچنین ماه مبارک رمضان از این جهت که ماه روزه، شب‌زنده‌داری، تلاوت قرآن، عبادت، دعا و تقرب به خداوند تبارک و تعالی است ممتاز و بی‌بدیل است؛ ماهی است که در آن درهای بهشت گشوده، و درهای دوزخ بسته می‌شود. ماهی است که حسنات در آن چند برابر می‌شوند، سیئات و بدی‌ها آمرزیده می‌شوند، دعاها به اجابت می‌رسند، و درجات بالا می‌رود. ماهی است که در آن خداوند عطایایش را به بندگان می‌بخشد، کرامات را به اولیایش ارزانی می‌دارد، و عبادات را می‌پذیرد. ماهی است که آغازش رحمت، میانه‌اش مغفرت، و پایانش آزادی از آتش است.

ماهی است که بنده در آن فقر و نیازمندی در برابر بی‌نیازی مطلق او سبحان را احساس می‌کند، و با عبادت به او توجه می‌کند و در پی جبران نقص‌ها، دریافت کمالات، عروج به ساحت مقدس او، انس به یاد او، و تقرب به درگاهش برمی‌آید؛ و از ذلت و خواری معصیت، به عزت طاعت او راه می‌یابد.

ماهی است برای کاشتن روح تقوا و نهادینه کردن ترس از خداوند در دل بندگان، و این که خداوند در نهان و آشکار همواره مراقب و نظاره‌گر است.

ماهی است که آخرت و هراس‌های روز قیامت را یادآور می‌شود، به طوری که بنده را ترغیب می‌کند تا دنیا را به کناری نهد و به سوی سرای جاودان گام بردارد.

ماهی است برای جهاد با نفس، مهار کردن غرایز نفسانی، تزکیه و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند چون حرص و بخل و بی‌صبری و بی‌حوصلگی و شکایت و...، و تربیت آن برای آراسته شدن به فضایل اخلاقی همچون کرم و سخاوت و صبر و احسان و نیکی به دیگران و یاری رساندن و مهربانی و و پرورش روح رحمت میان بندگان و....

سید احمد الحسن علیه السلام دربارهٔ رحمت و مهربانی در ماه رمضان فرموده است:

«ماه رمضان ماه رحمت است؛ نه فقط به این جهت که ما در آن منتظر رحمت خداوند در آنچه از خیر برایمان مقدر می‌سازد و در آنچه از شر از ما دفع می‌کند. در روزهای آتی سالِ نو پس از شب مبارک قدر هستیم؛ بلکه رمضان ماه رحمت است، به این جهت که روزه‌داری در آن ما را وادار می‌سازد درد و رنج دیگران را احساس کنیم و در نتیجه به آنها رحم کنیم و تلاش کنیم ظلم و ستم و بی‌عدالتی را از آنان دور سازیم. پس بهره‌تان از رمضان فقط گرسنگی و تشنگی نباشد، بلکه باید بهره‌تان از آن "رحمت" باشد. به آنانی که در زمین‌اند رحم کنید تا آن‌که در آسمان است بر شما رحم آورد.»^۱

همچنین ماه رمضان با این ویژگی که خداوند روزه را در این ماه بر بندگان واجب کرده، ممتاز و بی‌بدیل است؛ زیرا این واجب الهی، یکی از ارکان دین و پایه‌هایی است که اسلام بر آن بنا شده است، و در مسیر حرکت بنده به سوی پروردگارش و خالقش و مدبرش، آثار و برکاتی دارد، و از طرف دیگر پاداش بزرگ و ثواب فراوانی نیز در این ماه نهفته است. از پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ فضیلت روزه‌داری در ماه رمضان نقل شده است، فرمود:

«هیچ مؤمنی نیست که ماه رمضان را به امید پاداش روزه بگیرد، مگر آن‌که خداوند هفت خصلت را برای او واجب گرداند: نخست آن‌که حرام از بدن او ذوب می‌شود؛ دوم به رحمت خدا نزدیک می‌شود؛ سوم خطای پدرش آدم علیه السلام بخشیده می‌شود؛ چهارم خداوند سکرات

موت (سختی‌های جان دادن) را برای او آسان می‌سازد؛ پنجم در روز قیامت از گرسنگی و تشنگی در امان خواهد بود؛ ششم خداوند رهایی از آتش دوزخ را به او عطا می‌کند؛ و هفتم خداوند از نعمت‌های پاک بهشتی به او می‌خوراند.»^۱

در این ماه، خداوند کتاب گران قدر خود را بر نبی بزرگوارش در شبی مبارک نازل کرد؛ در شب قدر (شب بیست و سوم ماه رمضان)، شبی که برتر از هزار ماه است؛ فرشتگان و روح آن شب به فرمان پروردگارشان با هر فرمانی فرود می‌آیند. شبی است که تا طلوع سپیده‌دم، همه‌اش صلح و سلام است. در این شب سرنوشت بندگان، اعمالشان، روزی‌ها و همه امور مربوط به زندگی‌شان در سال پیش‌رویشان نوشته می‌شود. از این رو شب قدر بر همه شب‌های ماه مبارک رمضان فضیلتی بزرگ دارد، چنان‌که خود این ماه بر تمامی دیگر ماه‌های سال برتری یافته است.

پس این ماه، نه روزه‌هایش همانند دیگر روزه‌هاست و نه شب‌هایش چون دیگر شب‌ها؛ بلکه هر لحظه از آن، با سایر لحظات سال تفاوت دارد و متمایز و بی‌مانند است.

امام زین العابدین (علیه السلام) در وصف این ماه فرموده است:

«سپاس خداوندی را که از میان راه‌های هدایت، ماه خودش ماه رمضان را قرار داد؛ ماه روزه، ماه اسلام، ماه پاکی، ماه پالایش و خلوص، و ماه شب‌زنده‌داری؛ ماهی که در آن قرآن نازل شد، که هدایتی برای مردم، و نشانه‌هایی روشن از هدایت و معیار جدایی حق از باطل است. پس خداوند برتری این ماه را بر سایر ماه‌ها آشکار ساخت، به واسطه آنچه از حرمت‌های بزرگ و فضیلت‌های شناخته شده برایش قرار داد. در این ماه، چیزهایی را که در غیر آن حلال کرده بود به نشانه بزرگداشت حرام کرد؛ و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را به جهت گرامیداشت آن ممنوع ساخت. برای آن زمانی روشن و مشخص قرار داد که نه اجازه می‌دهد پیش از آن انجام شود، و نه می‌پذیرد پس از آن به جا آورده شود. سپس شبی از شب‌های آن را بر

شب‌های هزار ماه برتری بخشید، و آن را "شب قدر" نام نهاد؛ شبی که فرشتگان و روح در آن به فرمان پروردگارشان- برای هر امری فرود می‌آیند؛ شبی سراسر سلامت و برکت، تا طلوع سپیده‌دم، بر هر کدام از بندگان که بخواهد، به آنچه در قضا و قدرش استوار کرده است...»^۱

رسول خدا ﷺ در بیان فضیلت ماه رمضان و آنچه شایسته است در این ماه انجام شود فرموده است:

«ای مردم! به‌راستی ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به‌سوی شما آمده است؛ ماهی که نزد خداوند برترین ماه‌هاست، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها، و ساعاتش بهترین ساعات‌هاست. ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و در آن در زمرة گرامی‌داشته‌شدگان خداوند قرار گرفته‌اید. نفَس‌های شما در آن تسبیح است، خواب شما در آن عبادت است، اعمالتان در آن پذیرفته است، و دعاهایتان مستجاب است. پس از پروردگار خود با نیت‌های راستین و دل‌های پاک درخواست کنید تا شما را برای روزه‌داری و تلاوت کتابش توفیق عطا فرماید؛ زیرا شقاوتمند کسی است که در این ماه بزرگ از آمرزش خدا محروم بماند. با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورید؛ و به فقرا و مسکینان صدقه دهید، بزرگ‌ترهائیتان را گرامی بدارید، و به کوچک‌ترهائیتان رحم کنید، با خویشانان صله رحم کنید، زبان‌های خود را حفظ کنید، و چشم‌هایتان را از آنچه نگاه به آن حلال نیست فرو بندید، و گوش‌هایتان را از آنچه شنیدنش جایز نیست بازدارید. به یتیمان مردم مهربانی کنید تا به یتیمان شما مهربانی شود، و از گناهانتان به‌سوی خدا توبه کنید، و دست‌های خود را در اوقات نمازهای خود به دعا به‌سوی او بلند کنید، زیرا آن زمان بهترین ساعات است؛ خداوند در آن زمان با رحمت به بندگان خود نظر می‌کند، اگر او را بخوانند پاسخشان را می‌دهد، و اگر او را صدا زنند آنان را لبیک می‌گوید، و اگر از او چیزی بخواهند به آنان عطا می‌کند، و اگر او را بخوانند اجابتشان می‌فرماید. ای

مردم! به راستی جان‌های شما در گرو اعمالتان است، پس آن را با استغفارهایتان آزاد کنید؛ و دوش‌هایتان سنگین از بار گناهان است، پس با طولانی کردن سجودتان آن را سبک سازید؛ و بدانید خداوند عزوجل به عزتش قسم خورده است که نمازگزاران و سجده‌کنندگان را عذاب نکند، و آنان را در روز قیامت با آتش نترساند؛ همان روزی که مردم برای پروردگار جهانیان به پا می‌خیزند. ای مردم! هرکس از شما در این ماه مؤمنی روزه‌دار را افطار دهد، برای او نزد خدا پاداش آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته‌اش خواهد بود.

گفته شد: ای رسول خدا، همه ما توان چنین کاری نداریم. ایشان (علیه السلام) فرمود: از آتش بپرهیزید، اگرچه با دادن نصف دانه خرما باشد؛ از آتش بپرهیزید، اگرچه با جرعه‌ای آب باشد. ای مردم! هرکدام از شما در این ماه اخلاقش را نیکو کند، مجوزی برای عبور از صراط خواهد داشت در روزی که قدم‌ها می‌لغزد؛ و هرکس در این ماه بر زیردستانش آسان بگیرد، خداوند حسابش را آسان می‌گرداند؛ و کسی که در این ماه شرّ خود را بازدارد خداوند خشمش را در روز دیدار با او از او بازمی‌دارد؛ و کسی که در این ماه یتیمی را گرمی بدارد خدا او را در روزی که دیدارش می‌کند گرمی خواهد داشت؛ و کسی که با خویشانش صله رحم نکند خداوند او را با رحمت خود در روز دیدارش پیوند خواهد داد؛ و کسی که از خویشانش ببرد خداوند رحمت خود را از او در روزی که دیدارش می‌کند قطع خواهد کرد. کسی که در این ماه نمازی مستحب بخواند خداوند برایش رهایی از آتش را ثبت می‌کند؛ و هرکس واجبی را در این ماه به جای آورد پاداش هفتاد فریضه در ماه‌های دیگر را خواهد داشت؛ و کسی که در این ماه بر من بسیار صلوات بفرستد خداوند ترازوی اعمالش را در روزی که ترازوها سبک می‌شود سنگین خواهد کرد؛ و کسی که در این ماه آیه‌ای از قرآن تلاوت کند پاداش کسی را خواهد داشت که در غیر این ماه، قرآن را ختم کرده باشد. ای مردم! همانا در این ماه درهای بهشت باز است، پس از پروردگارتان بخواهید که آن را بر شما نبندد؛ و درهای دوزخ بسته است، پس از پروردگارتان بخواهید آنان را بر شما مسلط نگردانند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: برخاستم و گفتم: ای رسول خدا، بهترین کار در این ماه چیست؟ فرمود: ای ابوالحسن، بهترین کار در این ماه، پرهیز از آنچه است که خداوند عزوجل حرام کرده است...»^۱

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «ای جابر! این ماه رمضان است؛ هرکس روزش را روزه بدارد، در بخشی از شبش به عبادت برخیزد، شکم و شرمگاهش را عقیف و پاک نگه دارد، و زبانش را فروبندد، از گناهانش خارج می‌شود همان‌گونه که از این ماه خارج می‌شود.» جابر گفت: ای رسول خدا، این سخن چه نیکوست! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای جابر، و چقدر پابندی به این شرط‌ها دشوار است!»^۲

در پایان سخن درباره فضیلت ماه مبارک رمضان، سخنان تربیتی سید احمد الحسن (علیه السلام) را یاد آور می‌شویم؛ آنجا که در پایان این ماه فرموده است:

«امروز که این ماه کریم را به پایان می‌رسانیم، باید بنشینیم و خود را محاسبه کنیم و به قول معروف- دفتر حساب و کتاب خود را پیش رویمان بگشاییم، و به وضعیت خودمان بنگریم و حقیقت نفسمان را بشناسیم تا بتوانیم نفس خود را محاسبه و هرگونه فسادى را در آن صلاح کنیم. شاید مهم‌ترین چیزی که باید درحالی که این ماه شریف را به پایان می‌رسانیم- در درون خودمان بررسی کنیم این نباشد که چند سوره از قرآن را خوانده‌ایم، یا چند دعا و چند رکعت نماز به جا آورده‌ایم، بلکه مهم‌تر از همه این است که ببینیم ما چه نتیجه‌ای از این ماه به دست آورده‌ایم، و ارواح ما از این اعمالی که انجام داده‌ایم چه نتیجه‌ای حاصل کرده‌اند؟ آیا هنوز بر همان حال پیشینمان مانده‌ایم؟ یا گامی، یا گام‌هایی به‌سوی خدا برداشته‌ایم؟ آیا هنوز در عبادت‌ها و کارهای خیر و نیک و مشابه آن ریا می‌کنیم؟ آیا هنوز خودخواهی و منیت

۱. امالی، شیخ صدوق: ص ۱۵۵.

۲. کافی، کلینی: ج ۴، ص ۸۷.

بر ما و خُلق و خو و رفتارمان سایه افکنده است؟ و چقدر توانسته‌ایم از منیت و سیطره‌اش رهایی یابیم؟ آیا دل‌هایمان کماکان سخت است، یا با یاد خدا نرم شده است؟ آیا هنوز چشمانمان خشک‌اند، یا هنگام یاد خدا و یاد اولیایش اشک‌بار می‌شوند؟

حقیقت را به شما می‌گوییم؛ اگر به همان صورتی که وارد ماه رمضان شدیم از آن خارج شویم، در این صورت یقیناً آن را تباه کرده و از دست داده‌ایم، و باید خودمان را سرزنش، و به‌سختی خود را بازخواست کنیم؛ و چه خسران بزرگی است اگر ما تحت این عنوان قرار گرفته باشیم: "چه بسیارند روزه‌دارانی که از روزه‌شان جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای ندارند." پناه می‌بریم به خدا از این‌که از کسانی باشیم که ماه رمضان را تباه کردند؛ و پناه می‌بریم به خدا از این‌که نصیبمان از این ماه فقط گرسنگی و تشنگی باشد. از خداوند برای شما و برای خودم می‌خواهم در پایان این ماه کریم ما را در زمرهٔ ذاکرین و سپاسگزاران و مخلصان بنویسد. او سرپرست من است، و صالحان را سرپرستی می‌کند.»^۱

به‌جهت پرهیز از اطالهٔ کلام به همین مقدار بسنده می‌کنم؛ و در ادامه به بیان نشانه‌های اثبات (رؤیت هلال) ماه مبارک رمضان می‌پردازیم.

نشانه‌های اثبات ماه مبارک رمضان

باید بدانیم آغاز ماه قمری (چه ماه رمضان و چه غیر آن) با رؤیت هلال ماه ثابت می‌شود. بنابراین بر مؤمنان واجب و ضروری است استهلال (بررسی رؤیت هلال) را به‌عنوان یک واجب کفایی انجام دهند؛ یعنی اگر گروهی از مؤمنان آن را انجام دادند این وظیفه از دیگران ساقط می‌شود. پس اگر رؤیت هلال به‌طور معتبر (که شرح آن خواهد آمد) محقق شد

۱. از سخنان مبارک ایشان در مجموعه «دعوت مهدوی» در پایان ماه رمضان سال ۱۴۴۳ ق.

مشخص می‌شود ماه جاری (مثلاً شعبان) ۲۹ روز بوده، و روز بعد، شروع ماه بعدی (یعنی ماه رمضان) است؛ اما اگر رؤیت هلال به‌طور معتبر محقق نشد، باید ماه جاری (شعبان) را [سی روز] کامل شمرد، و روز بعد از آن، شروع ماه (رمضان) می‌شود.

بر این اساس چند نشانه معتبر شرعی وجود دارد که اگر یکی از آنها تحقق یابد رؤیت هلال و آغاز ماه رمضان ثابت می‌شود؛ و البته نشانه‌هایی نیز هستند که شرعاً معتبر نیستند و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. در ادامه نشانه‌های معتبر را به تفصیل بیان می‌کنیم:

نشانه‌های معتبر برای اثبات ماه رمضان

۱. خود مکلف هلال را ببیند.

این نشانه مخصوص کسی است که فقط خودش هلال را دیده و شامل کسی غیر از خود نمی‌شود؛ یعنی اگر مکلفی هلال ماه رمضان را دیده باشد ولی هیچ‌کس دیگری غیر از او آن را ندیده باشد بر او واجب است روزه بگیرد؛ زیرا ماه مبارک برای خود آن مکلف ثابت شده است، ولی مشمول دیگر مکلفین نمی‌شود؛ حتی اگر فقط خود او هلال ماه را دیده باشد و هیچ‌کس دیگری آن را ندیده باشد، یا به دیدن هلال ماه شهادت داده باشد ولی شهادتش توسط حاکم شرع پذیرفته نشود، به دلیل این که فقط او به تنهایی هلال ماه را رؤیت کرده است یا به هر دلیل دیگری، این نشانه برای ثبوت ماه مبارک برای خود او کافی خواهد بود و شروع روزه‌داری ماه رمضان بر او واجب می‌شود.

اما اگر مکلف نتوانست خودش به تنهایی هلال را ببیند، در این صورت برای اثبات آغاز ماه مبارک رمضان به نشانه‌های زیر اعتماد می‌کند:

۲. دو نفر به رؤیت هلال ماه شهادت دهند.

اگر حاکم شرع شهادت آن دو را بپذیرد رؤیت هلال و آغاز ماه رمضان ثابت می‌شود، چه آن دو از همان شهر باشند و چه از شهری دیگر.

در این دو شاهد باید بلوغ و عقل و عدالت احراز شود.

مذکر بودن هر دو شاهد شرط نیست؛ بلکه رؤیت هلال با شهادت یک مرد و دو زن نیز ثابت می شود.

۳. رؤیت در میان مردم شایع شده باشد.

یعنی عده زیادی از مردم مؤمن یا غیرمؤمن- هلال را ببینند به گونه ای که مانع از تبانی آنان برای دروغ بشود.

نکته: اگر رؤیت هلال (با یکی از نشانه های عمومی فوق الذکر) در شهرهای مجاور و نزدیک به یکدیگر مثل کوفه و بغداد ثابت شود، بر همه ساکنان آن شهرها روزه گرفتن واجب می شود؛ یعنی اگر رؤیت هلال در کوفه ثابت شد، مردم بغداد نیز باید روزه بگیرند حتی اگر خودشان هلال را در بغداد ندیده باشند. همین حکم درباره شهرهای دورتری که اختلاف ساعت میانشان بیش از شش ساعت نباشد نیز صادق است؛ مثل کوفه و خراسان، یا کوفه و لندن، یا مشابه آنها.

اما اگر اختلاف زمانی میان دو سرزمین بیش از شش ساعت باشد مثل کوفه و سیدنی- و رؤیت هلال در کوفه ثابت شود در این صورت بر مردم سیدنی- که از نظر زمانی جلوتر از کوفه هستند- روزه آن روز واجب نخواهد بود، بلکه آن روز برای مردم سیدنی روز سی ام شعبان خواهد بود، ولی برای مردم کوفه اول ماه رمضان.

۴. امام معصوم (علیه السلام) به اثبات ماه حکم دهد.

اگر امام عادل (علیه السلام) به آغاز یا پایان ماه قمری (ماه رمضان یا هر ماه دیگری) حکم کرده باشد حکم او برای همه مردم زمین الزام آور است، چه رؤیت بصری هلال امکان پذیر بوده باشد و چه نبوده باشد. در واقع خلیفه خدا برای اثبات آغاز ماه، نیازی به رؤیت حسی و بصری ندارد، و تا زمانی که امکان دسترسی به حکم او فراهم باشد حکم نهایی و قطعی خواهد بود.

۵. سی روز از ماه شعبان گذشته باشد.

این نشانه در صورتی معتبر است که نه خود فرد هلال را دیده باشد و نه با نشانه دیگری رؤیت آن ثابت شده باشد؛ در این صورت اگر سی روز کامل از ماه شعبان سپری شده باشد روز بعد از آن، اول ماه رمضان خواهد بود.

این‌ها نشانه‌های معتبر برای اثبات آغاز ماه مبارک رمضان و دیگر ماه‌های هجری بودند.

نشانه‌های نامعتبر برای اثبات هلال

۱. شهادت یک نفر: هلال ماه با شهادت تنها یک مرد - حتی اگر عادل باشد - ثابت نمی‌شود؛ البته همان‌طور که پیش‌تر بیان شد - دیدن ماه توسط او فقط برای خودش حجت است، اما برای دیگران اعتباری ندارد.

۲. جدول: منظور تقویم‌هایی است که بر اساس محاسبات خاصی از حرکت ماه تهیه می‌شود و مورد استفاده ستاره‌شناسان و منجمان قرار می‌گیرد.

۳. شمارش: یعنی همیشه ماه رمضان را کامل (۳۰ روز) و شعبان را ناقص (۲۹ روز) محاسبه کنند. این روش معتبر نیست؛ زیرا آغاز ماه فقط با رؤیت شرعی هلال ثابت می‌شود.

۴. ناپدید شدن هلال پس از شفق: اگر هلال در آسمان تأخیر داشته، و بعد از رفتن شفق (سرخ‌ی مغربی) ناپدید شود چنین هلالی هلال شب دوم محسوب می‌شود و روز قبل از آن اول ماه به حساب می‌آید.

۵. رؤیت هلال در روز سی‌ام پیش از زوال: اگر در یوم‌الشک (یعنی روز سی‌ام شعبان) پیش از اذان ظهر هلال دیده شود این روز پایان ماه شعبان محسوب کنند، اما اگر رؤیت هلال پس از زوال انجام شود آن روز را اولین روز ماه رمضان به شمار آورند [که از نظر شرعی اعتبار ندارد].

۶. پیدایش حلقه یا طوقی گرداگرد هلال: یعنی پدیدار شدن نور دایره‌وار ضعیفی در اطراف هلال ماه، و استفاده از آن برای اثبات این‌که هلال شب دوم است.

۷. شمارش پنج روز از آغاز هلال در سال گذشته: به این معنا که اول ماه در سال جاری پنج روز پس از اولین هلال آن در سال گذشته محاسبه شود؛ مثلاً اگر در سال گذشته هلال ماه رمضان در روز یکشنبه رؤیت شده باشد، پنج روز به آن اضافه کنند و نتیجه بگیرند اولین روز ماه رمضان در سال جاری روز جمعه خواهد بود؛ که از نظر شرعی نادرست است.

تمام این معیارها برای اثبات هلال و تعیین آغاز ماه قمری نامعتبر هستند و همان طور که گفته شد معیار معتبر فقط ثبوت و اثبات رؤیت شرعی هلال است.

چند مسئله:

۱) «استهلال» (تلاش برای رؤیت هلال) بر مؤمنان واجب کفایی است؛ به این معنا که اگر افرادی - که شهادتشان معتبر است - این وظیفه را انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود. زمان آغاز استهلال و رؤیت هلال از بعد از زوال خورشید روز بیست و نهم ماه قمری قبلی شروع می‌شود (که برای ماه رمضان، استهلال در روز ۲۹ شعبان انجام می‌شود)، و تا نیمه شب ادامه دارد، اگرچه رؤیت هلال معمولاً پس از غروب خورشید و پیش از ناپدید شدن شفق (سرخی مغرب) اتفاق می‌افتد. و شرایط لازم برای کسی که استهلال ماه را گزارش می‌کند عبارت است از بلوغ، عقل و عدالت.

۲) برای اثبات هلال از نظر شرعی، رؤیت با چشم غیر مسلح شرط است و رؤیت [هلال] از طریق ابزارهای نوین مثل تلسکوپ و.... کفایت نمی‌کند؛ البته می‌توان از تجهیزات برای تعیین محل، ارتفاع و جهت کمک گرفت و نیز می‌توان از نظرات منجمان برای تسهیل رؤیت با چشم استفاده کرد، اما اثبات رؤیت هلال فقط با دیدن با چشم غیر مسلح معتبر است.

۳) ولادت هلال هیچ ارتباطی به افق مکان ناظر ندارد، اما دیدن هلال با چشم قطعاً از افقی که در آن قرار دارد تأثیر می‌پذیرد، زیرا به مکان ناظر بستگی دارد.

(۴) هلال با شهادت فقط یک نفر که آن را دیده باشد اثبات نمی‌شود، حتی اگر شهادت او برای شنونده علم‌آور و مطمئن باشد، و چنین رؤیتی فقط برای خود فرد حجت است و برای دیگران معتبر نیست.

(۵) اگر شخص مؤمنی -چه زن و چه مرد- خبر دهد دو نفر هلال را دیده‌اند این خبر برای شنونده شروع ماه جدید را ثابت نمی‌کند، بلکه باید خود آن دو نفر نزد حاکم شرعی شهادت دهند هلال را دیده‌اند؛ و صرفاً خبردهی و نقل قول از وجود دو شاهد برای اثبات هلال کافی نیست، بلکه باید موضوع بررسی و تأیید شود.

البته اگر شنونده کسی باشد که به هر دلیلی مثل زندانی بودن یا به هر دلیل موجه دیگری -امکان بررسی و تأیید خبر منقول را نداشته باشد، و براساس گفته‌ی راوی خبر ورود به ماه بر ظن او غلبه کند همین گمان برایش کفایت می‌کند؛ مگر این که بعداً خلاف آن برایش روشن شود.

(۶) شایع شدن فقط به مؤمنان اختصاص ندارد، بلکه در میان [عموم] مردم به این معناست که آنها خودشان هلال را دیده‌اند، و اگر از مردم پرسیده شود بسیاری از آنها بگویند هلال را دیده‌اند، به نحوی که برای شما اطمینان حاصل شود آنها به دروغ تبانی نکرده‌اند.

(۷) ممکن است کشورها در رؤیت هلال با یکدیگر اختلاف داشته باشند؛ بنابراین آغاز ماه در هر کشور منوط به اثبات رؤیت هلال در آن کشور یا در سرزمین‌هایی است که همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد -با توجه به اختلاف ساعت میان کشورها به رؤیت هلال در آنها اعتماد می‌شود؛ اما در صورتی که امام علیه السلام حضور داشته باشد و آغاز ماه را اعلام کند حکم او تمام سرزمین‌ها را شامل می‌شود.

(۸) از آنجا که آغاز ماه قمری با رؤیت هلال با چشم غیرمسلح ثابت می‌شود، پس اشکالی نخواهد داشت که دو ماه پشت‌سرهم ۲۹ یا ۳۰ روز باشد.

هر ماهی که در رؤیت هلالش تردید پیش آید، ماه قبل از آن سی روز محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال اگر رؤیت هلال رمضان قطعی نبود و رؤیت آن شرعاً اثبات نشد شعبان را سی روز در نظر می‌گیرند.

اگر در طول ماه‌های سال آسمان ابری باشد به طوری که به دلیل تراکم ابرها، رؤیت هلال در شب استهلال در آن سرزمین ممکن نباشد، ماه رمضان و نیز ذی‌قعدة و ذی‌حجه و رجب سی روز در نظر گرفته می‌شوند، و دیگر ماه‌ها ۲۹ یا سی روز محسوب می‌شوند.

(۹) اگر مردم شهری به دلیل بی‌عنوان مثال به علت ابری بودن آسمان نتوانند هلال را در شب ۲۹ شعبان ببینند و ماه شعبان را سی روز در نظر بگیرند، و سپس در شب ۲۹ رمضان هلال شوال را ببینند در حالی که فقط ۲۸ روز روزه گرفته‌اند، رؤیت هلال شوال نشان می‌دهد شعبان ۲۹ روز بوده و روزی که آنان به عنوان روز سی‌ام شعبان شمرده‌اند در واقع اول ماه رمضان بوده است. در این صورت روزه آن روز کفایت خواهد کرد، و اگر کسی آن روز را روزه نگرفته باشد باید قضایش را به جا آورد.

(۱۰) کسی که به عنوان مثال اسیر یا زندانی نمی‌داند در چه ماهی قرار دارد باید ماهی را که طبق گمانش رمضان است به مدت یک ماه روزه بگیرد؛ و اگر این وضعیت برایش ادامه داشت و درستی یا نادرستی تصمیمش برایش مشخص نشد او معذور است و چیزی بر عهده‌اش نخواهد بود؛ و اگر معلوم شد روزه‌هایش در ماه رمضان یا پس از آن بوده است کفایت می‌کند، اما اگر پیش از ماه رمضان روزه گرفته باشد باید قضا کند.

(۱۱) اگر کسی یوم‌الشک (سی‌ام شعبان) را با توجه به نشانه‌ای با نیت روزه ماه رمضان روزه بگیرد این روزه کفایت می‌کند؛ و منظور از نشانه، نشانه‌ای است که احتمال می‌دهد آن روز، اول ماه رمضان است اما برای اثبات شرعی کافی نباشد؛ مثل شهادت یک مؤمن.

البته بهتر و مستحب است در یوم‌الاشک، به نیت روزه مستحبی روزه گرفته شود و اگر بعداً مشخص شد آن روز، اول ماه رمضان بوده است همان روزه برایش کفایت خواهد کرد.

زمانی که روزه در آن صحیح است

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾^۱ (و بخورید و بیاشامید تا آن‌گاه که رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] برای شما نمودار شود؛ سپس روزه را تا شب به پایان برسانید).

زمانی که روزه در آن صحیح است «طول روز» است و روزه در شب صحیح نیست.

و زمان پرهیز و خودداری از مفطرات (باطل‌کننده‌های روزه) طلوع فجر دوم است که با روشنائی گسترده در افق تحقق می‌یابد، و زمان افطار، غروب آفتاب است، و حد آن پایین رفتن (پنهان شدن) قرص خورشید در افق است؛ البته بهتر است برای اطمینان حاصل شدن از غروب خورشید، تا از بین رفتن سرخی مشرقی صبر شود.

پس زمان روزه گرفتن به زمان طلوع فجر و غروب آفتاب، یعنی همان اوقات نماز صبح و نماز مغرب بستگی دارد.

مستحب است افطار را تا زمان خواندن نماز مغرب به تأخیر انداخت، و بهترین دعا، دعای روزه‌دار هنگام نماز مغرب و قبل از افطار است.

اما برای کسی که از شدت گرسنگی و تشنگی رنج می‌برد، یا افرادی منتظر افطار او هستند استحباب تأخیر افطار پس از نماز مغرب ساقط می‌شود، و می‌تواند پیش از نماز افطار کند.

نکته: برای هر روزه‌داری هنگام افطارش دعایی مستجاب می‌شود؛ پس مستحب است با

دعاهای روایت شده از اهل بیت (ع) در آن لحظه دعا کند.

چند مسئله:

- (۱) می‌توان به تقویم‌های اوقات شرعی که در کشورهای غیر اسلامی یا در کشورهای اسلامی که مردمش مؤمن نیستند به کار گرفته می‌شوند اعتماد کرد، به شرط آن که با اوقات شرعی مطابقت داشته باشد؛ بنابراین باید ابتدا تقویم بررسی و میزان انطباق آن با اوقات شرعی به دقت سنجیده شود، و سپس می‌توان طبق آن عمل کرد.
- (۲) درباره مسئله اعتماد به برخی ابزارهای موجود در کشورهای اسلامی مانند مؤذن‌ها، یا تلویزیون یا سایر رسانه‌های مخصوص اعلام وقت طلوع فجر، لازم است برخی از اوقات آنها بررسی، و میزان دقت و مطابقتشان با وقت شرعی سنجیده شود؛ اگر مطابق با وقت شرعی بود به آن عمل می‌شود، در غیر این صورت خیر.
- (۳) کسی که زندانی است و از اوقات نماز و زمان امساک و افطار اطلاع ندارد و شب و روز را نمی‌تواند تشخیص دهد، اگر بتواند ظن یا احتمالی درباره رسیدن وقت‌ها به دست آورد، طبق همان عمل می‌کند و نمازش را براساس آن ظن یا احتمال می‌خواند؛ اما اگر حتی احتمال نیز نتواند به دست بیاورد نمازهای پنج‌گانه را در طول زمان بیداری‌اش توزیع می‌کند؛ به این ترتیب که وقتی از خواب بیدار می‌شود نماز صبح را می‌خواند، و پیش از این که بخوابد نماز مغرب و عشا را می‌خواند، و بین این دو (یعنی بین صبح و مغرب) نماز

۱. دعاهای مستحب هنگام افطار فراوانند؛ از جمله: «سپاس خدایی را که ما را یاری کرد پس روزه گرفتیم، و روزی‌مان داد پس افطار کردیم؛ خدایا آن را از ما بپذیر و ما را برای آن یاری کن، ما را در آن سلامت بدار و با آسانی و عافیت از ما بپذیر. سپاس خدایی را که یک روز از ماه رمضان را از ما گذراند.» و نیز: «به نام خدا، خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کردیم، پس از ما بپذیر که به راستی تو شنوای دانایی.» و نیز: «ای عظیم، ای عظیم، تو خدای منی، معبودی جز تو ندارم؛ پس گناه بزرگ مرا ببخشای که جز بزرگ، از گناه بزرگ در نمی‌گذرد.» و نیز: «به نام خدا، ای که آمرزشت فراگیر است، مرا بیامرز.» و نیز: «هرکس سوره قدر را هنگام افطار و هنگام سحر بخواند، میان این دو زمان همچون کسی خواهد بود که در راه خدا در خون خود غلتیده است.» و دعاهای دیگر. (مراجعه کنید به: وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰، باب استحباب دعای روزه‌دار هنگام افطار با دعاهای مأثور)

ظهر و عصر را می‌خواند. زمان امساک و افطار در روزه نیز از همان تقسیم‌بندی مشخص می‌شود.

(۴) کسی که با جدیت و تلاش، زمان فجر را بررسی کرده و در حکم شرعی سهل‌انگاری نکرده، اما در نهایت به زمانی ظنی رسیده و بعداً برایش روشن شده اشتباه بوده است، در صورتی که وقت نماز و روزه‌اش گذشته باشد در نماز و روزه‌اش اشکالی نخواهد بود.

(۵) اگر کسی نذر کند شب روزه بگیرد، یا نذر کند شب و روز را با هم روزه بگیرد، نذر او صحیح نیست و این روزه بر او واجب نخواهد بود.

(۶) روزه گرفتن در روزهای عیدین (یعنی نخستین روز از دو عید فطر و عید قربان) صحیح نیست؛ و اگر روزه عیدین را نذر کند نذرش منعقد نمی‌شود.

(۷) اگر کسی نذر کند روز خاصی را روزه بگیرد و آن روز تصادفاً یکی از عیدین باشد (مثلاً نذر کند روزی که خداوند برادر زندانی‌اش را آزاد می‌کند روزه بگیرد و آن روز عید قربان باشد) روزه‌اش صحیح نیست و قضایش نیز واجب نخواهد بود، اگرچه بهتر است آن را قضا کند.

(۸) کسی که در سرزمین مینا حضور دارد صحیح نیست نذر کند ایام تشریق (یعنی روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی‌حجه) را روزه بگیرد؛ چنین نذری از سوی او صحیح نیست و منعقد نمی‌شود؛ چون روزه ایام تشریق برای کسی که در مینا هست جایز نیست.

(۹) اگر کسی نذر کرده باشد روز خاصی را روزه بگیرد و آن روز با ایام تشریق مصادف شود و او در مینا باشد نذرش منعقد نمی‌شود و صحیح نیست، و قضای آن نیز واجب نخواهد بود، گرچه بهتر است قضا شود.

روزه و احکام متعلق به آن

روزه، خودداری از مفطرات (یعنی امتناع و پرهیز و ترک چیزهایی که روزه را باطل می‌کند) همراه با نیت است.

پس تعریف روزه از دو بخش تشکیل شده است:

۱. خودداری از مفطرات (آنچه روزه را باطل می‌کند).

۲. نیت.

در ادامه ابتدا درباره نیت روزه سخن می‌گوییم، و سپس به مفطراتی می‌پردازیم که روزه‌دار باید از آنها اجتناب کند.

نیت روزه

از آنجا که روزه عبادتی برای خداوند متعال است، پس «نیت» در آن شرط است و باید آن را برای طاعت و تقرب به خدای تبارک و تعالی به جا آورد.

نیت، عملی قلبی است و نیازی نیست آن را تلفظ کند و به زبان آورد؛ پس همین که در روزه قصد قربت به خداوند متعال را داشته باشد کافی است.

و در این خصوص تفاوتی میان نیت روزه ماه رمضان و سایر روزه‌ها وجود ندارد.

وقت نیت

وقت نیت از شب تا زوال خورشید (اذان ظهر) روزی است که فرد می‌خواهد آن را روزه بگیرد؛ بنابراین کسی که در شب نیت را فراموش کند می‌تواند در روز تا پیش از زوال (نیم‌روز)

نیت کند؛ زیرا اگر خورشید از نیمه عبور کند وقت نیت تمام شده است.

این محدوده زمانی برای نیت، همه انواع روزه‌های واجب و مستحب را شامل می‌شود. پس اگر کسی تا پیش از زوال خورشید نیت نکند روزه‌اش (چه واجب و چه مستحب) صحیح نیست؛ و در صورت از دست دادن وقت نیت باید روزه واجب را قضا کند.

اگر در شب نیت روزه نداشته باشد، اما پس از صبح بخواهد نیت روزه واجب (مثل روزه قضا) یا روزه مستحب کند روزه‌اش صحیح است؛ زیرا تا زمانی که چیزی نخورده باشد می‌تواند تا پیش از زوال نیت روزه کند.

نیت روزه ماه رمضان

فقط به‌طور خاص در ماه رمضان می‌توان نیت را پیش از ماه انجام داد؛ به‌عنوان مثال شما می‌توانی درحالی‌که در ایام ماه شعبان هستی نیت کنی تمام ماه رمضان را به نیت نزدیکی به خدا روزه بگیری، و این نیت برای صحت روزه‌های تمام ماه رمضان کافی است؛ بنابراین اگر در یکی از روزه‌های رمضان نیت را فراموش کند ولی پیش از شروع ماه نیت کرده باشد، همان نیت اولیه برای صحت روزه‌اش کفایت می‌کند.

در ماه رمضان، روزه‌ای غیر از روزه ماه رمضان منعقد نمی‌شود، چه قصد روزه واجب دیگری داشته باشد و چه مستحب؛ بلکه آنچه منعقد می‌شود فقط به‌عنوان روزه ماه رمضان کفایت می‌کند، و روزه دیگری که نیت کرده باشد منعقد نمی‌شود؛ زیرا زمان ماه رمضان فقط به روزه خودش اختصاص دارد، پس هیچ روزه دیگری در آن صحیح نخواهد بود.

حکم تردید در نیت

تردید میان نیت روزه واجب و مستحب جایز نیست، بلکه باید نوع روزه را مشخص، و روزه‌اش را به‌عنوان واجب یا مستحب نیت کند؛ یا می‌تواند فقط نیت قربت کند؛ یعنی بدون

در نظر گرفتن واجب یا مستحب بودن روزه، فقط به قصد تقرب به خداوند متعال نیت کند.

نیت روزه یوم الشک

یوم الشک (روز شک) روز سی ام ماه شعبان است که در آن شک و تردید وجود داشته باشد که آیا پایان ماه شعبان است یا نخستین روز از ماه رمضان؛ و این روز به دلیل وجود شک درباره اش، یوم الشک نامیده شده است.

در این روز، نیت روزه به عنوان مستحب انجام می شود؛ پس اگر بعداً مشخص شود پایان ماه شعبان بوده، روزه به صورت مستحب محاسبه می شود، و اگر روشن شود نخستین روز ماه رمضان بوده، همان روزه کفایت می کند و نیازی به قضای آن نیست.

اما اگر کسی با نیت وجوب این روز را روزه بگیرد، یعنی با وجود شک و تردید درباره اش آن را به عنوان روزه ماه رمضان نیت کند، در این صورت نه به عنوان روزه شعبان پذیرفته می شود و نه به عنوان رمضان.

اگر کسی در یوم الشک نیت مردد داشته باشد، یعنی نیت کند «اگر رمضان است واجب باشد و اگر شعبان است مستحب»، این نیت صحیح نیست و روزه اش باطل است و باید دوباره آن را روزه بگیرد، زیرا تردید در نیت جایز نیست.

اگر کسی در یوم الشک صبح با نیت افطار بیدار شود، اما چیزی نخورد و قبل از اذان ظهر برایش روشن شود آن روز، روز اول ماه رمضان است می تواند مجدداً نیت روزه کند و همان روزه به عنوان روزه ماه رمضان محسوب می شود، زیرا هنوز زمان نیت باقی بوده است.

اما اگر یوم الشک را با نیت افطار آغاز کند ولی چیزی نخورده باشد، و پس از زوال آفتاب برایش معلوم شود آن روز جزو ماه رمضان بوده است، باید تا غروب از مفطرات خودداری کند، ولی به دلیل از دست رفتن وقت نیت، قضای آن روز بر او واجب می شود.

چند مسئله:

۱. کسی که در یکی از روزهای ماه رمضان نیت افطار کند اما چیزی نخورد، و پیش از اذان ظهر دوباره نیت روزه کند روزه اش صحیح است.
 ۲. اگر کسی ابتدا نیت روزه کند، سپس نیت افطار کند ولی چیزی نخورد، و دوباره نیت روزه کند روزه اش صحیح است؛ چه نیت افطارش پیش از ظهر باشد و چه بعد از آن.
 ۳. اگر کودک ممیز نیت روزه کند نیت او صحیح و روزه اش شرعی است.
- کودک ممیز، کودکی است که معمولاً هفت سال را تمام کرده، و ممکن است در سن هشت یا نه یا ده سالگی یا حتی بعد از آن باشد، با توجه به حال و میزان درک و فهمش.

چیزهایی که روزه دار از آنها خودداری می کند (مفطرات)

روزه دار باید از نه چیز خودداری کند که عبارت اند از:

اول: خوردنی ها

روزه دار باید از خوردن هرچیز معمول مثل نان و میوه ها، یا نامعمول مثل ریگ یا تگرگ (دانه های یخ که گاهی همراه باران می بارد) خودداری کند.

دوم: نوشیدنی ها

بر روزه دار واجب است از نوشیدن هر نوع نوشیدنی معمول مثل آب و شیر، یا غیرمعمول مثل عصاره ای که از گل ها گرفته می شود و نوشیدن چیزهای دیگری که عرفاً نوشیده نمی شوند خودداری کند.

مسائل:

۱. خوردن و نوشیدن روزه را باطل می‌کند اگر عامدانه توسط روزه‌دار انجام شود؛ یعنی فرد بداند روزه‌دار است و با این حال چیزی بخورد یا بیاشامد؛ و فرقی نمی‌کند از حکم شرعی اطلاع داشته باشد یعنی بداند خوردن غذا جزو مفطرهاست. یا نباشد.
۲. اگر روزه‌دار از روی فراموشی یا سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، مثلاً غذایی بخورد و یادش برود روزه است، روزه‌اش باطل نمی‌شود؛ و این حکم دربارهٔ روزه‌های واجب و مستحب یکسان است.
۳. اگر روزه‌دار به اجبار وادار به خوردن یا نوشیدن شود به گونه‌ای که اختیار از او سلب شود، یا غذا یا نوشیدنی بدون اختیار به گلولی او ریخته شود، در هر دو صورت روزه‌اش صحیح است و باطل نمی‌شود؛ چه روزه واجب باشد و چه مستحب.
۴. باقی‌ماندهٔ غذا که بین دندان‌ها باشد اگر عمداً بلعیده شود حرام است و موجب باطل شدن روزه می‌شود، اما اگر سهواً بلعیده شود روزه را باطل نمی‌کند.
۵. بلعیدن و فرو بردن خلط سینه (نخامت) که با سرفه یا صاف کردن گلو خارج می‌شود، و نیز بلعیدن آب دهان (بزاق) روزه را باطل نمی‌کند؛ حتی اگر عمداً بلعیده شود، تا زمانی که این مواد از دهان خارج نشده باشند؛ اما اگر خلط یا بزاق از دهان خارج شود (مثلاً روی لب بیاید) و سپس عمداً بلعیده شود روزه باطل می‌شود.
۶. ترشحاتی که از سر پایین می‌آید اگر جاری شود و بدون قصد از حلق پایین برود روزه را باطل نمی‌کند؛ مانند کسی که به زکام (سرماخوردگی) مبتلاست و به طور طبیعی مبتلا به ترشحاتی می‌شود که از سر جاری و به دهان وارد می‌شود؛ پس اگر آن را بدون قصد و تعمّد ببلعد روزه‌اش باطل نمی‌شود.
- اما اگر عمداً آن را ببلعد، مثلاً عمداً آن را با شدت از سر پایین بکشد و ببلعد، روزه‌اش باطل می‌شود.
۷. استفاده از اسپری تنفسی بیماران آسمی در مواقع اضطراری در روزهای ماه رمضان موجب باطل شدن روزه نمی‌شود.

۸. شخصی که دچار سرفه است می‌تواند در روزهای ماه رمضان بخار آب جوش حاوی داروهای تسکین‌دهنده سرفه را استنشاق کند.
۹. مکیدن انگشتر، جویدن غذا برای کودک و غذا دادن به پرنده، چشیدن خورشت با نوک زبان، و مضمضه (آب کشیدن دهان) برای وضو یا برای درمان‌ها مثل غرغره کردن دندان‌ها، تا زمانی که عمداً بلعیده نشود روزه را باطل نمی‌کند. مسواک زدن با خمیر دندان در صورتی که محتویاتش بلعیده نشود روزه را باطل نمی‌کند.
۱۰. مسواک زدن در هنگام نماز برای روزه‌دار مستحب است، و فرقی نمی‌کند چوب مسواک خشک باشد یا مرطوب.

سوم: جماع

جماع با زن، چه از جلو و چه از پشت، روزه را باطل می‌کند؛ هم برای مرد و هم برای زن. روزه با عمل زشت لواط و نزدیکی با حیوان نیز باطل می‌شود.

چهارم: دروغ بستن به خدا و پیامبر و امامان و مهدیون (عج)

دروغ، یعنی گفتن سخن خلاف واقع با وجود آگاهی از حقیقت. دروغ گفتن به خودی خود - عملی حرام است، اما اگر روزه‌دار دروغی را به خدا یا پیامبر یا امامان یا مهدیون نسبت دهد افزون بر حرام بودن ذاتی‌اش، موجب بطلان روزه نیز می‌شود.

دو مسئله:

۱. برای آن که کسی دروغ‌گو توصیف شود باید حقیقت برایش روشن بوده باشد و او عمدانه به دلیل پیروی از هوای نفس، یا انگیزه شخصی، یا به تقلید از دیگران و مانند آن - با حقیقت مخالفت کرده باشد. بنابراین کسی که اشتباه می‌کند یا فراموش کار یا غافل و سهل‌انگار است به عنوان دروغ‌گو توصیف نمی‌شود.

۲. تکذیب رؤیاهای صادق و مکاشفات، و نیز پناه بر خدا رد یا تکذیب روایات آل محمد ﷺ یا انکار مقام یا حقّی که برای ایشان ثابت شده است باطل کننده روزه نیست، اگرچه انجام دهنده اش گناهکار است؛ زیرا دروغ‌گویی (کذب) با تکذیب یا تصدیق نکردن تفاوت دارد؛ و باطل کننده روزه، دروغ‌گویی (کذب) است، نه «تکذیب».

پنجم: فرورفتن در آب

ارتماس در آب: یعنی فرو رفتن در آب به گونه‌ای که تمام بدن و سر در آب پنهان شود، یا تمام سر به طور کامل در آب فرو برود. بر روزه‌دار حرام است در آب فرو برود، و اگر این کار را از روی بازی و سرگرمی انجام دهد و به دلیلی عقلانی انجام نداده باشد روزه‌اش باطل می‌شود.

دو مسئله:

۱. کسی که شغلش مستلزم فرورفتن در آب است، یا برای بیرون آوردن چیزی از آب یا نجات غریق وارد آب می‌شود، این کار برای او حرام نیست و روزه‌اش صحیح است.
۲. اشکالی ندارد که مردان به گونه‌ای در آب بروند که تمام بدن (به جز سر) زیر آب باشد.

ششم: رساندن غبار به حلق

بر روزه‌دار حرام است عمداً غبار را به حلق خود برساند و این کار روزه را باطل می‌کند.

دو مسئله:

۱. اگر هوا بسیار غبارآلود باشد، بر روزه‌دار واجب نیست در صورت آگاهی از رسیدن غبار به حلقش حتماً احتیاط کند؛ هرچند بهتر است برای جلوگیری از رسیدن غبار به حلق، احتیاط را رعایت کند.
۲. دود ناشی از سوختن سوخت در خودروها، ماشین‌آلات و مانند آنها تأثیری بر روزه ندارد و اجتناب از آن واجب نیست.

هفتم: استنشاق دود (تدخین)

باعث باطل شدن روزه می‌شود، البته نه از آن جهت که غبار غلیظ محسوب می‌شود، به آن صورتی که برخی چنین گفته‌اند و آن را همانند غبار غلیظ در نظر گرفته‌اند.

هشتم: باقی ماندن بر جنابت به طور عمدی تا طلوع فجر بدون هیچ ضرورتی

کسی که در شب روزه‌اش به واسطه عواملی که باعث جنابت می‌شود مانند جماع یا احتلام- جنب شده و توانایی غسل داشته باشد، واجب است تا پیش از طلوع فجر غسل کند؛ و اگر عمداً و بدون هیچ عذری غسل را تا پس از طلوع فجر به تأخیر اندازد روزه‌اش باطل خواهد شد؛ اما اگر به دلیل اضطرار مثل بیماری یا ترس یا مانند آن- غسل را به تأخیر بیندازد و با حالت جنابت تا طلوع فجر باقی بماند روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسائل:

۱. کسی که جنب شده باشد و بدون قصد و نیت غسل تا طلوع فجر بخوابد، روزه‌اش باطل است.
۲. اگر جنب شد و با نیت غسل خوابید ولی خوابش تا طلوع فجر ادامه یافت، روزه‌اش صحیح است.
۳. اگر جنب شد و نیت غسل کرد و خوابید، سپس بیدار شد و دوباره با نیت غسل خوابید و این بار تا طلوع فجر خواب ماند و غسل نکرد، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند.
۴. اگر استمنا کرد یعنی با انجام کاری منی از او خارج شد- یا زنی را لمس کرد و منی از او خارج شد، روزه‌اش باطل می‌شود.
۵. اگر به زنی نگاه کرد یا به صدای زنی گوش داد و بدون قصدی منی از او خارج شد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

۶. اگر روزه‌دار در طول روز و بعد از نیت روزه دچار احتلام شد، یعنی در خواب یا بیداری بدون اختیار منی از او خارج شد، روزه‌اش صحیح است؛ و اگر در طول روز دچار احتلام یا انزال غیر عمدی شد لازم نیست فوراً غسل کند، و این تأثیری در صحت روزه‌اش نخواهد داشت.

نهم: شیاف مایع

شیاف با مایع از طریق مجرای معمول انسان (مخرج یا مقعد) برای درمان برخی بیماری‌ها انجام می‌شود؛ مانند تنقیه که برای پاک‌سازی دستگاه گوارش پیش از معاینه یا درمان به‌کار می‌رود.

استفاده از شیاف مایع برای روزه‌دار حرام است و در صورتی که استفاده کند روزه‌اش باطل می‌شود.

مسائل:

۱. استفاده از شیاف جامد که از طریق آن «شیاف» یا «داروهای جامد» از طریق مقعد وارد بدن می‌شوند برای روزه‌دار جایز است و باعث باطل شدن روزه نمی‌شود.
۲. استفاده از شیاف مایع برای شست‌وشوی رحم زن که به آن «شست‌وشوی مهبل» گفته می‌شود، یا شیاف از طریق مجرای ادرار مرد به‌جهت درمان بیماری، برای روزه‌دار جایز است و روزه را باطل نمی‌کند.
۳. تزریق عضلانی یا وریدی روزه را باطل نمی‌کند، مگر آن‌که ماده تزریقی مغذی باشد، که در این صورت روزه را باطل می‌کند.
۴. اهدای خون توسط روزه‌دار جایز است، و نیز اگر نیاز به دریافت خون داشته باشد روزه‌اش باطل نمی‌شود.
۵. چکاندن قطره دارو در بینی یا گوش روزه‌دار باعث باطل شدن روزه نمی‌شود، مگر این‌که قطرات دارو به حلق برسد، که در این صورت روزه باطل می‌شود.

دو تذکر:

۱. تمام مفطراتی که ذکر کردیم روزه را باطل می‌کند، تنها در صورتی باعث باطل شدن روزه می‌شوند که فرد عامدانه آنها را انجام دهد، و فرقی نمی‌کند از حکم آن آگاه بوده باشد یا نبوده باشد؛ اما اگر روزه‌دار کاری را که روزه را باطل می‌کند از روی فراموشی یا سهواً انجام دهد روزه‌اش باطل نمی‌شود، چه روزه واجب باشد مثل روزه ماه رمضان، و چه مستحب.
 ۲. تمام مفطراتی که ذکر کردیم انجامشان برای روزه‌دار حرام است به این معناست که انجام‌دهنده‌اش گناهکار و مستحق عقوبت است و باید توبه و استغفار کند. این حکم شرعی، حکمی تعبدی است که خداوند به ما دستور داده رعایت کنیم تا از طریق آن در این دنیای امتحان، مطیع از عاصی، متمایز و شناخته شود.
- و همه مواردی که ذکر کردیم روزه را باطل می‌کند به این معناست که پس از [ارتکاب] آن، روزه‌دار باید قضای آن روز را به جا آورد، و در برخی موارد کفاره نیز بر او واجب می‌شود، که توضیح آن به‌طور مفصل خواهد آمد.

آنچه برای روزه‌دار مکروه است

نُه چیز برای روزه‌دار مکروه است:

۱. تماس بدنی با زنان مثل بوسیدن و لمس کردن و ملاعبه (نوازش).
۲. سرمه کشیدن با چیزی که در آن «صبر» (میوه‌ای بسیار تلخ که عصاره آن برای برخی بیماری‌های چشمی به سرمه افزوده می‌شود) یا «مُشک» باشد.
۳. خارج کردن خون از بدن به‌گونه‌ای که موجب ضعف شود، مثل حجامت یا کشیدن دندان در صورتی که باعث ضعف روزه‌دار شود.
۴. حمام رفتن اگر موجب ضعف روزه‌دار شود.

۵. استفاده از انفیة یا سَعوط (دارویی که در بینی قرار داده می‌شود) به شرطی که به حلق نرسد.

۶. بوییدن گل‌های خوشبو، و کراهت آن در بوییدن گل نرگس بیشتر است.

۷. استفاده از شیاف‌های جامد.

۸. خیس کردن لباس و پوشاندنش بر بدن.

۹. نشستن زن در آب.

برای روزه‌دار اشکال ندارد که شب یا روز در ماه رمضان یا ماه‌های دیگر، شعر بنویسد یا بخواند.

آنچه روزه‌دار باید در مقابل باطل کردن روزه‌اش انجام دهد

اگر از روزه‌دار یکی از مفطرات (باطل‌کننده‌های روزه) سر بزند روزه‌اش باطل می‌شود و در این صورت باید قضای آن را به جا آورد. در برخی موارد علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او واجب می‌شود، و در موارد دیگر فقط قضا واجب است و کفاره واجب نخواهد شد؛ و در ادامه به تفصیل این موضوع را توضیح خواهیم داد:

موارد وجوب قضا و کفاره

کسی که در روزه واجب عمداً افطار کند باید قضای روزه روزهایی را که افطار کرده است به جا آورد، و در برخی موارد کفاره نیز بر او واجب می‌شود، که عبارت‌اند از:

۱. خوردن و آشامیدن چیزهای متعارف یا نامتعارف.

۲. اگر فجر طلوع کرد و غذا در دهانش بود و آن را عمداً فرو ببرد و بیرون نیاورد.

۳. اگر باقی‌مانده غذا را از بین دندان‌هایش عمداً ببلعد.

۴. جماع (نزدیکی) به طوری که حشفه (سر آلت) در پشت یا جلوی زن وارد شود.

۵. باقی‌ماندن عمدی بر جنابت تا طلوع فجر.

۶. خوابیدن شخص جُنُب تا طلوع فجر بدون نیت غسل.
۷. استمنا (خودارضایی).
۸. رساندن گرد و غبار به حلق.
۹. تدخین (استعمال دخانیات).
۱۰. دروغ بستن به خدا و پیامبر و امامان و مهدیون (علیهم السلام).
۱۱. فرورفتن در آب (ارتماس) به گونه‌ای که باعث باطل شدن روزه شود.
۱۲. شخصی که بر اساس رؤیت خودش هلال ماه رمضان را دیده و در روز اول افطار کرده باشد.

تذکر: کفاره در صورتی واجب می‌شود که فرد عامدانه و با آگاهی از حکم شرعی روزه‌اش را باطل کند، اما اگر از حکم آگاه نباشد کفاره بر او واجب نمی‌شود؛ بنابراین کسی که نمی‌داند کفاره بر او واجب می‌شود، اگر روزه‌اش را بشکند فقط قضا بر او واجب می‌شود و کفاره نخواهد داشت.

انواع روزه‌هایی که هم قضا دارند و هم کفاره

کفاره فقط در صورتی بر روزه‌دار واجب می‌شود که روزه خود را در یکی از انواع روزه‌های زیر عمداً باطل کند:

۱. روزه ماه رمضان؛
و کفاره آن «تخییری» و از بین این سه گزینه مخیر است: آزاد کردن یک برده، یا گرفتن دو ماه روزه پشت سرهم، یا اطعام شصت مسکین.
۲. قضای روزه ماه رمضان، در صورتی که روزه‌دار بعد از زوال (نیم‌روز یا ظهر شرعی) افطار کند، اما اگر قبل از زوال افطار کند چیزی بر عهده‌اش نخواهد بود؛ و کفاره آن اطعام ده مسکین است، و اگر نتوانست سه روز پی‌درپی روزه بگیرد.

۳. روزه نذر معین؛ مثلاً اگر نذر کند روز اول ماه رجب را روزه بگیرد، و اگر آن روز را روزه نگیرد باید هم قضای آن را به جا بیاورد و هم کفاره مخالفت و به جا نیاوردن نذر را ادا کند، که در این صورت او بین این سه گزینه مخیر خواهد بود: آزاد کردن یک برده، یا گرفتن دو ماه روزه پیاپی، یا اطعام شصت مسکین.

۴. روزه اعتکاف، در صورتی که واجب شده باشد.

اعتکاف در سه روز انجام می شود؛ حال اگر کسی دو روز را معتکف بود، روزه روز سوم بر او واجب می شود، و اگر در روز سوم روزه اش را باطل کند کفاره بر او واجب خواهد شد (توضیح این مطلب در کتاب اعتکاف خواهد آمد).

اما در سایر انواع روزه ها غیر از انواع چهارگانه، اگر روزه اش باطل شود کفاره ای بر عهده اش نخواهد بود؛ مثل روزه مستحب، روزه نذر غیر معین (مثلاً کسی نذر کند روزه ای بگیرد اما زمانی برایش مشخص نکند)، یا روزه کفاره ها (مانند روزه کفاره ماه رمضان یا قضای آن).

ویژگی های کفاره^۱

کفاره به معنای پوشاندن و جبران است؛ و عملی است که مکلف برای طلب آمرزش انجام می دهد، در صورتی که در برخی موارد مرتکب کاری حرام شده باشد. این عمل به این جهت کفاره نامیده شده است که گناهان را می پوشاند؛ یعنی آنها را می پوشاند و جبران می کند.

کفاره افطار عمدی از سه طریق ادا می شود: ۱. آزاد کردن برده؛ ۲. روزه گرفتن؛ ۳. اطعام مسکینان.

۱. خصال الکفارة: ویژگی ها یا راه های ادای کفاره. (مترجم)

مسائل:

۱. کسی که در ماه رمضان با ارتکاب عملی حلال مانند نوشیدن آب یا نزدیکی با همسر و مانند آن روزه‌اش را بشکند، [کفاره بر او واجب می‌شود] و به انجام یکی از این سه روش مخیر است: آزاد کردن یک برده، یا روزه دو ماه پی‌درپی، یا اطعام شصت مسکین؛ اما اگر با عملی که شرعاً حرام است (مثل پناه بر خدا- نوشیدن شراب یا زنا افطار کند) باید هر سه ویژگی کفاره را انجام دهد.
 ۲. کفاره در یک روز به دلیل تکرر علت آن تکرار نمی‌شود، چه عامل واجب شدن کفاره از یک نوع بوده باشد (مثلاً چند نوع غذا خورده باشد) و چه از چند نوع متفاوت باشد (مثلاً هم غذا خورده باشد، هم نوشیده باشد، هم دخانیات مصرف کرده باشد)؛ اما اگر در دو یا چند روز مختلف روزه‌دار اعمالی انجام داده که موجب وجوب کفاره شده باشد، کفاره برای هر روز تکرار می‌شود.
 ۳. اگر روزه‌دار عملی انجام دهد که مستلزم کفاره باشد و سپس شرایطی پیش بیاید که روزه از او ساقط شود (مثلاً اگر زنی عامدانه افطار کند و سپس حیض شود، یا مردی در خانه‌اش در ماه رمضان افطار کند و سپس به سفر برود) کفاره از او ساقط نمی‌شود، چون او عمل باطل کننده روزه را پیش از وقوع عاملی که باعث ساقط شدن روزه از او می‌شود انجام داده است.
 ۴. اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان نزدیکی کند، درحالی که هر دو روزه باشند، اگر این کار با رضایت زن انجام شده باشد در این صورت روزه هر دو باطل و کفاره بر هرکدامشان واجب می‌شود؛ اما اگر زن به انجام آن رضایت نداشته و وادار شده باشد، فقط مرد باید کفاره بدهد، و زن نه کفاره‌ای بر عهده دارد و نه قضایی.
- اگر مرد با زنی بیگانه (که همسرش نیست) به زور و اجبار نزدیکی کند، یعنی به او تجاوز کند، روزه زن صحیح است و کفاره و قضا بر او واجب نمی‌شود، اما بر مرد انجام‌دهنده، هم قضا واجب می‌شود و هم کفاره جمع؛ یعنی هم آزاد کردن برده، هم گرفتن دو ماه روزه پیاپی، و هم اطعام شصت مسکین.

۵. یکی از ویژگی‌های کفاره «آزاد کردن برده» است که در زمان ما به دلیل نبود برده و کنیز، آزاد کردن از بردگی امکان‌پذیر نیست؛ البته می‌توان قیمت برده را پرداخت کرد، و تعیین مبلغ آن در زمان ما -یا در هر زمانی- به امام معصوم علیه السلام واگذار شده است و ایشان این حق را دارد که تمام این مبلغ یا بخشی از آن را از عهده مکلف ساقط کند.

امام علیه السلام مبلغ معادل آزاد کردن بنده را در زمان ما چنین تعیین کرده است: میانگین [مجموع] دستمزد سالانه یک کارگر، در منطقه‌ای که کفاره‌دهنده در آن زندگی می‌کند.

۶. کسی که روزه دو ماه پی‌درپی بر او واجب شده است، اگر یک ماه کامل را روزه بگیرد و قسمتی از ماه دوم -حتی یک روز- را نیز روزه بگیرد می‌تواند بقیه روزه‌ها را به صورت پراکنده بگیرد؛ اما اگر پیش از این وضعیت افطار کند باید دوباره از ابتدا شروع کند و روزه بگیرد.

۷. کسی که روزه دو ماه پشت‌سرهم بر او واجب شده و سپس از ادامه آن ناتوان شود و نتواند دو ماه را روزه بگیرد، می‌تواند به جای آن هجده روز روزه بگیرد که در این صورت پی‌درپی بودن روزه‌اش لازم نیست؛ و اگر اصلاً توانایی روزه گرفتن نداشت به درگاه خداوند استغفار می‌کند و همین کفاره‌اش خواهد بود.

۸. کسی که کفاره‌اش «اطعام» است باید به شصت مسکین غذا بدهد، و به هر مسکین یک مُد (سه چهارم کیلوگرم یا ۷۵۰ گرم) غذا از قوت غالب و رابع آن شهر مانند گندم یا جو یا آرد یا برنج یا خرما و مانند آن می‌دهد. اگر غذا به صورت پخته یا کنسرو شده مانند کمپوت میوه‌ها یا اغذیه کنسروی یا شیرینی جات یا برنج پخته و مانند آن باشد جایز است و کفایت می‌کند.

۹. اگر کفاره‌های متعدد بر شخص واجب شده باشد جایز است آنها را چند بار و به دفعات به یک مسکین بدهد؛ اما اگر فقط یک کفاره برای یک روز بر ذمه دارد باید حتماً تعداد معتبر رعایت شود و به شصت مسکین متفاوت داده شود.

۱۰. کسی که کفارهٔ اطعام شصت مسکین بر او واجب شده است می‌تواند آن را به بیت‌المال یا بنیادی بدهد که آن را در راستای اطعام شصت مسکین استفاده می‌کند؛ به‌عنوان مثال اگر شصت مسکین یا بیشتر باشند که از طرف بیت‌المال به آنها کمک می‌شود در این صورت بیت‌المال می‌تواند این اموال را در قالب کمک به افراد نیازمند با نیت اطعام به آنها پرداخت کند و به این ترتیب صرف اطعام شصت مسکین خواهد شد.

۱۱. اگر خیری بخواهد داوطلبانه از طرف کسی که کفاره بر او واجب شده است کفاره بدهد جایز نیست و فقط می‌تواند مال یا غذا را به او بدهد تا او خودش شخصاً از طرف خودش کفاره را پرداخت کند.

۱۲. اگر کسی ادای کفاره و پرداخت یک مد طعام بر عهده‌اش باشد اما به‌دلیل فقیر و تنگ‌دستی نتواند بپردازد، در این صورت استغفار برای او کفایت می‌کند؛ و وقتی کفاره را با استغفار ادا کرد دیگر چیزی بر عهده‌اش نخواهد بود، حتی اگر بعد از استغفار تمکّن مالی پیدا کرد و توانست یکی از سه نوع کفاره را ادا کند: آزاد کردن یک بنده، اطعام شصت مسکین، توانایی گرفتن دو ماه روزهٔ پیپی.

۱۳. شخص زنده می‌تواند به نیابت از مرده کفاره را پرداخت کند، در صورتی که کفاره‌ای بر ذمهٔ میت بوده باشد؛ البته در این شرایط گرفتن روزه بهتر از آزاد کردن بنده یا غذا دادن است.

مواردی که فقط قضا واجب می‌شود و کفاره ندارد

حالاتی هستند که در آنها اگر روزه واجب با زمان مشخص^۱ باطل شود فقط قضای روزه واجب می‌شود و کفاره ندارد؛ و اینها عبارت‌اند از:

۱. الصیام الواجب المتعین.

۱. انجام مُفَطَّر (عمل باطل‌کننده روزه) پیش از بررسی طلوع فجر با وجود امکان و توانایی بررسی آن، درحالی‌که فجر طلوع کرده باشد.
۲. انجام مُفَطَّر با استناد به سخن شخصی که به او خبر دهد فجر طلوع نکرده، با وجود این‌که خود او توان بررسی فجر و دانستن حقیقت را داشته، و سپس روشن شده عمل مُفَطَّر را بعد از طلوع فجر انجام داده است.
۳. اگر کسی به او خبر دهد فجر طلوع کرده، و او بنا به گفته آن شخص عمل باطل‌کننده را ترک کرده باشد و سپس به گمان دروغ بودن خبر آن شخص، مُفَطَّر را انجام دهد و سپس معلوم شود واقعاً فجر طلوع کرده است.
۴. افطار قبل از فرارسیدن شب با استناد به گفته مخبری مبنی بر این‌که شب فرارسیده، و سپس معلوم شود شب فرا نرسیده است.
۵. افطار به دلیل وجود تاریکی که گمان فرارسیدن شب را به دنبال دارد ولی بعداً معلوم شود شب هنوز فرا نرسیده است.
۶. استفراغ (قی کردن) عمدی؛ اما اگر قی بدون اختیار باشد باطل نمی‌شود و روزه‌اش صحیح است.
۷. تزریق با سوزن (استفاده از آمپول).
۸. وارد کردن آب به حلق برای خنک شدن (مثل کسی که برای خنک شدن آب را مضمضه یا غرغره کند و ناگهان آن را ببلعد)؛ اما اگر برای وضو یا غسل مضمضه کند و آب ناخواسته وارد حلقش شود روزه‌اش باطل نمی‌شود.
۹. خوابیدن دوباره شخص جُنُب در شب و باقی ماندن در خواب تا هنگام طلوع فجر، درحالی‌که نیت غسل داشته است.
۱۰. کسی که با شهوت به زنی نامحرم نگاه کند و از او منی خارج شود (یعنی بیرون آمدن منی از او بدون قصد انجام آن)؛ اما اگر به همسرش با شهوت نگاه کند و منی از او خارج شود قضا بر او واجب نیست.

۱۱. کسی که فراموش کرده روزه‌دار است و غذا خورده باشد، سپس گمان کند روزه‌اش باطل شده و عمداً افطار کند، روزه‌اش باطل است و فقط قضا بر عهده دارد و کفاره بر او واجب نیست.

۱۲. اگر روزه‌دار را بترسانند و او روزه‌اش را بشکند (مثلاً به او بگویند اگر نخوری تو را می‌کشیم) در این حالت فقط قضا بر عهده‌اش خواهد بود و کفاره ندارد؛ اما اگر غذا یا نوشیدنی را به زور و اجبار در حلقش بریزند به گونه‌ای که اختیار از او سلب شود، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

شرایط لازم در روزه

شرایط لازم در روزه به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. شرایط لازم برای وجوب روزه بر مکلف.
 ۲. شرایط لازم برای کسی که گرفتن روزه توسط او صحیح است.
 ۳. شرایط لازم برای کسی که قضای روزه بر او واجب شده است.
- در ادامه به تفصیل درباره این شرایط و احکامشان صحبت می‌کنیم.

اول: شرایط لازم برای وجوب روزه بر مکلف

برای این که روزه در ماه مبارک رمضان بر فردی واجب شود باید هفت شرط در او محقق شود و اگر یکی از این شرایط وجود نداشته باشد روزه بر فرد واجب نمی‌شود. این شرایط عبارت‌اند از:

شرط اول: بلوغ

شرط دوم: کامل بودن عقل

مسائل:

۱. بلوغی که با آن عبادات واجب می‌شود با تحقق یکی از نشانه‌های زیر شناخته می‌شود:
 - أ. احتلام؛ یعنی خروج منی.
 - ب. روییدن موهای ناحیه تناسلی.

ج. تمام شدن چهارده سال و ورود به سن پانزده سالگی برای مردان، و تمام شدن نه سال و ورود به سن ده سالگی برای زنان.

۲. روزه بر کودک نابالغ واجب نیست؛ اگرچه روزه برای کودک ممیز (یعنی کودکی که معمولاً هفت ساله شده و ممکن است با توجه به درک و فهمش - هشت، نه یا ده ساله یا بیشتر باشد) صحیح است. روزه بر دیوانه و کسی که غش کرده و بیهوش است واجب نیست، مگر آن که پیش از طلوع فجر (اذان صبح) کودک نابالغ به سن بلوغ برسد، یا دیوانه و غش کرده به هوش آیند، که در این صورت روزه آن روز بر آنها واجب می شود.

۳. اگر نابالغ پس از طلوع فجر بالغ شود، یا دیوانه یا بیهوش بعد از طلوع فجر به هوش آید روزه آن روز بر آنان واجب نخواهد بود، چون شرایط وجوب پیش از طلوع فجر کامل نشده است.

۴. اگر بالغ عاقل عامدانه روزه اش را باطل کند باید قضا و کفاره را ادا کند؛ و اگر در قضا سهل انگاری کرد و ماه رمضان سال بعد فرابرسد علاوه بر کفاره افطار عمدی، باید برای هر روز یک مد (سه چهارم کیلوگرم معادل ۷۵۰ گرم) طعام کفاره بدهد؛ اما اگر باطل کردن روزه اش به دلیل نادانی بوده، فقط قضا بر او واجب می شود.

۵. اگر دختری به سن بلوغ برسد و بنیه اش ضعیف باشد به طوری که نتواند روزه اش را در طول روز به طور کامل به جا بیاورد مگر با سختی مشقت زیاد، به خصوص در روزهای گرم، در این حالت روزه اش صحیح است حتی اگر روزه سکوت بگیرد ولی اگر یقین داشته باشد روزه برایش مضر است می تواند روزه اش را افطار کند و در زمان مناسب دیگری آن را قضا نماید.

۶. پسر و دختر نابالغ را می توان از قبل از سن بلوغ - یعنی از حدود هفت سالگی - با در نظر گرفتن توانایی شان، به صورت تدریجی به روزه تمرین داد؛ به این صورت که می توان روزه را محدود به ساعاتی از روز کرد و به تدریج افزایش داد تا این توانایی را پیدا کند که بتواند روزه یک روز کامل را تحمل کند.

۷. والدین وظیفه دارند پیش از بلوغ فرزندان (چه دختر و چه پسر) آنان را با واجباتی که پس از بلوغ بر عهده دارند آشنا کنند، و سپس پس از بلوغ، آنان را به انجام واجبات و ترک محرمات تشویق و ترغیب کنند، و با آنها همراهی کنند تا هنگامی که به سن رشد (هجده سالگی) برسند.

شرط سوم: سلامت از بیماری

اگر روزه برای بیمار ضرر داشته باشد، یا بیماری اش را تشدید کند، یا خطر جانی برای او به دنبال داشته باشد باید روزه اش را افطار کند. این ضرر را یا خود بیمار تشخیص می دهد به عنوان مثال قبلاً روزه گرفته و دچار آسیب شده، یا با تشخیص پزشک متخصص آگاه به دست می آید.

مسائل:

۱. کسی که به بیماری های مزمنی مبتلاست که به مصرف دارو در طول روز نیاز دارد، اگر نتواند در طول روزه داری از مصرف دارو خودداری کند می تواند روزه اش را بشکند؛ و اگر نتواند دارو را به جای بلعیدن، از راه تزریق عضلانی یا وریدی دریافت کند روزه بر او واجب نیست، اما اگر بتواند این جایگزینی را انجام دهد روزه بر او واجب می شود.
۲. اگر بیمار درحالی که روزه برایش ضرر دارد روزه بگیرد، روزه اش صحیح نیست و باید پس از این که بهبودی برایش حاصل شد آن را قضا کند.
۳. فرد بیماری که روزه نگرفتن در ماه رمضان برایش مجاز شمرده شده است و بر او واجب نیست، اگر بیماری اش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرد قضای روزه از او ساقط می شود و باید برای هر روز یک مُد (سه چهارم کیلوگرم معادل ۷۵۰ گرم) طعام به عنوان کفاره بدهد.

۴. اگر بیمار پیش از زوال (اذان ظهر) بهبود یابد و تا آن لحظه چیزی نخورده و نیاشامیده یا کار مفطری انجام نداده باشد باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد؛ چون وقت نیت هنوز باقی است و شرایط روزه‌داری در او فراهم شده است.
۵. اگر بیمار پس از مصرف مفطری، یا اگر پس از زوال (اذان ظهر) حالش بهبود یابد روزه آن روز بر او واجب نیست، اگرچه مستحب است از مفطرات خودداری کند؛ و بعداً قضای آن روز را به جا می‌آورد.

شرط چهارم: اقامت

یعنی مکانی که نمازش را در آن کامل می‌خواند؛ پس هر جا نمازش را کامل می‌خواند روزه هم باید بگیرد.

شرط پنجم: داشتن حکم مقیم و این که مقیم محسوب شود

مثل کسی که زیاد سفر می‌رود (کثیرالسفر) و هر جا می‌رود نمازش را کامل می‌خواند. حکم شخص کثیرالسفر در کامل خواندن نماز و گرفتن روزه، همانند حکم شخص مقیم است؛ و کسی که قصد اقامت در شهری را به مدت ده روز یا بیشتر دارد، یا یک ماه را در جایی گذرانده که درباره اقامتش تردید داشته و مطمئن نبوده است، یا موارد مشابه نیز به همین صورت است. پس هر کس حکمش کامل خواندن است، روزه نیز بر او واجب می‌شود.

مسائل:

۱. هر کس در مکانی حضور دارد که باید نمازش را در آنجا کامل بخواند، روزه نیز بر او واجب می‌شود؛ و هرگاه حکم او قصر و شکسته خواندن نماز باشد روزه ماه رمضان بر او واجب نخواهد بود، و اگر روزه بگیرد روزه‌اش صحیح نیست و باید قضای آن را به جا آورد.
۲. اگر مسافری که باید نمازش را شکسته بخواند، با دانستن این که روزه در هنگام سفر بر او واجب نبوده و صحیح نیست، در ماه رمضان روزه بگیرد روزه‌اش به عنوان روزه

ماه رمضان محسوب نمی‌شود و باید قضا کند؛ ولی اگر حکم را نمی‌دانسته، روزه‌اش صحیح است و قضا بر عهده‌اش نخواهد بود.

۳. کسی که مسافر بوده و سپس به شهر خود یا شهری که قصد اقامت ده‌روزه در آنجا را دارد برسد، اگر قبل از نیم‌روز (اذان ظهر) برسد و عمل مُفطری انجام نداده باشد نیت روزه می‌کند و آن روز را روزه می‌گیرد، اما اگر بعد از نیم‌روز (اذان ظهر) برسد، مستحب است تا غروب از مفطرات خودداری کند، و بعداً قضای آن روز را به جا آورد.
۴. مسافری که مجاز به افطار در حین سفرش است نباید قبل از رسیدن به حد ترخص افطار کند. (حد ترخص جایی است که اذان شهرش شنیده نمی‌شود، و فاصله آن حدود هزار متر است)؛ و اگر پیش از آن افطار کند هم قضای آن روز را به جا می‌آورد و هم کفاره می‌دهد.

شرط ششم: پاک بودن از حیض

شرط هفتم: پاک بودن از نفاس

روزه بر زن حائض یا نفَساء^۱ واجب نیست و از آنان پذیرفته نمی‌شود، چه این عُذر (حیض یا نفاس) پیش از غروب آفتاب رخ دهد، مثلاً زن روزه‌دار باشد و پیش از غروب خون ببیند، و چه پس از طلوع فجر خون قطع شود، مثل زنی که حائض بوده و پس از اذان صبح پاک شود؛ در هر دو حالت وجوب روزه آن روز از آنان ساقط می‌شود و از طرف آنان صحیح و پذیرفته نخواهد بود؛ و بعداً باید آن روز را قضا کنند.

دوم: شرایط لازم برای کسی که روزه توسط او صحیح است

شرایط لازم برای کسی که گرفتن روزه توسط او صحیح است شش تاست و عبارت‌اند از:

۱. زنی که پس از وضع حمل (زایمان) خون نفاس از او خارج می‌شود. (مترجم)

شرط اول: عاقل بودن

روزه از طرف دیوانه صحیح نیست.

مسائل:

۱. «بلوغ» برای صحت روزه شرط نیست؛ پس روزهٔ کودک مُمَيِّز صحیح است.
۲. اگر کسی پیش از بی‌هوشی و غش نیت روزه کرده باشد، روزه‌اش صحیح است.
۳. اگر کسی شب قبل از خوابیدن نیت روزه کرده، و سپس تا غروب همان روز خوابیده باشد روزه‌اش صحیح است؛ اما اگر تا بعد از زوال (نیم‌روز) خوابیده باشد و پیش از فجر نیت نکرده باشد چون وقت نیت از دست رفته، باید آن روز را قضا کند؛ به‌جز ماه رمضان، که اگر از ابتدای ماه نیت روزهٔ تمام ماه را داشته باشد همین برایش کافی خواهد بود.

شرط دوم: ایمان به خداوند متعال و فرستاده‌اش و امامان و مهدیون (عج)

روزهٔ کافر به خدا، پیامبر یا امامان یا مهدیون (عج) صحیح نیست، اگرچه روزه بر او واجب است.

شرط سوم: طهارت زن از حیض و نفاس

روزه از زن حائض یا نفساء پذیرفته نیست، چه این عذر (حیض یا نفاس) پیش از غروب پدید آید (به‌عنوان مثال روزه باشد و پیش از غروب خون ببیند)، یا پس از فجر عذر از بین برود (مثلاً پس از اذان صبح پاک شود)؛ در هر دو صورت روزهٔ آن روزش صحیح نیست و باید آن را قضا کند.

بنابراین زن باید تمام روز را از خون حیض یا نفاس پاک باشد تا روزه‌اش صحیح بشود.

زن مستحاضه: اگر غسل‌های لازم را انجام دهد روزه‌اش صحیح است؛ یعنی در صورتی که استحاضه‌اش زیاد باشد غسل‌های سه‌گانه را انجام دهد، و در صورتی که استحاضه‌اش

متوسط باشد یک غسلِ نماز صبح را انجام دهد، همان طور که در احکام طهارت آمده است.

شرط چهارم: پاک بودن از جنابت

روزه جُنُب صحیح نخواهد بود، اگر غسل جنابت را عمداً و با توانایی برای انجامش تا هنگام طلوع فجر به تأخیر بیندازد؛ که در این صورت باید قضای آن را به جا بیاورد و کفاره نیز بر او واجب می شود.

نکته: اگر روزه دار پس از اذان صبح در حال جنابت از خواب بیدار شد اگر روزه اش روزه ماه رمضان، روزه نذر معین یا روزه مستحب باشد روزه اش صحیح است، اما اگر در روزه قضا (مثلاً قضای روزه ماه رمضان) اتفاق بیفتد آن روزه صحیح نخواهد بود.

شرط پنجم: حضور در وطن خود، یا حکم مقیم که نمازش کامل باشد

روزه واجب از مسافری که نماز را شکسته می خواند صحیح نیست؛ البته سه استثنا وجود دارد:

۱. سه روز روزه به جای قربانی (هدی). کسی که در حج تمتع «قربانی» ندارد و توان خرید آن را هم ندارد به جایش باید ده روز روزه بگیرد؛ که سه روز آن در سفر حج و هفت روز پس از بازگشت به خانه است.
۲. روزه هجده روزه به جای ذبح شتر. کسی که عمداً پیش از غروب از عرفات خارج شود باید در ازای کفاره این کارش یک شتر قربانی کند، و اگر توان خرید شتر را نداشت باید به جای آن در زمان حج هجده روز روزه بگیرد.
۳. روزه نذر مشروط به سفر یا حضر: مثل کسی که نذر کرده است نُه روز اول ماه ذی حجه را روزه بگیرد، چه در حال اقامت بوده باشد و چه در سفر؛ که در این صورت وفای به نذر و گرفتن روزه حتی در حال سفر- بر او واجب می شود.

مسائل:

۱. روزه مستحب در سفر صحیح است، مگر این که در ماه رمضان مسافرت کند؛ در این صورت روزه گرفتن برای او صحیح نیست، زیرا در ماه رمضان روزه‌ای غیر از روزه رمضان پذیرفته نیست.
۲. روزه مسافر در صورتی صحیح است که او از کسانی باشد که در سفر نمازش را کامل می‌خواند؛ مثل کسی که زیاد سفر می‌کند (کثیرالسفر)، یا کسی که نیت اقامت ده روزه در جایی را دارد، یا کسی که یک ماه را در مکانی گذرانده درحالی که درباره محل اقامتش مردد بوده و مطمئن نبوده است، و نیز کسی که سفر معصیت انجام می‌دهد. روزه برای همه این افراد چه واجب باشد و چه مستحب صحیح است، حتی اگر در سفر و خارج از وطن خود باشند.
۳. روزه مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، با علم به حکم (یعنی دانستن این که روزه در سفر صحیح نیست) در ماه رمضان صحیح نیست و باید آن را قضا کند؛ اما اگر از حکم آگاه نباشد و روزه بگیرد روزه‌اش صحیح است و قضا بر او واجب نیست.

شرط ششم: نبود مرضی که روزه با آن صحیح نباشد

روزه گرفتن فرد بیمار صحیح نیست، اگر روزه برایش ضرر داشته باشد، یا باعث تشدید بیماری یا به خطر افتادن جانش شود؛ و این را یا خود فرد شخصاً تشخیص می‌دهد، مثلاً قبلاً روزه گرفته و به او ضرر رسانده است، یا با تشخیص پزشک آگاه معلوم می‌شود.

سوم: شرایط لازم برای کسی که قضای روزه بر او واجب شده است

شرایط لازم برای وجوب قضا سه تا است که عبارت‌اند از:

۱. بلوغ. قضای روزه بر نابالغ واجب نیست، مگر برای روزی که قبل از طلوع فجر آن بالغ شده و آن روز را روزه نگرفته باشد، که در این صورت قضا بر او واجب است.

۲. کمال عقل. بر دیوانه و مجنون قضای روزه واجب نیست، مگر برای روزی که قبل از طلوع فجر آن فرد به هوش آمده و روزه نگرفته باشد، که در این صورت باید آن را قضا کند.
۳. ایمان. قضای روزه بر کافر واجب نیست، هرچند در اصل روزه بر او واجب است، مگر آن که فجر (سحرگاه) را در حال اسلام درک کرده باشد، و به عنوان مثال قبل از طلوع فجر مسلمان شده باشد، که در این صورت اگر آن روز را روزه نگیرد باید آن را قضا کند.
- اما اگر در طول روز مسلمان شود روزه آن روز بر او واجب نیست، ولی مستحب است از مفطرات امساک کند، و روزه روزهای بعدی ماه رمضان بر او واجب خواهد بود.

افرادی که قضای روزه بر آنان واجب است

قضای روزه‌های فوت‌شده واجب بر افراد زیر واجب است:

۱. کسی که روزه بر او واجب بوده و روزه‌اش را با انجام یکی از مفطرات باطل کرده است، همان طور که پیش‌تر در موارد وجوب قضا و کفاره یا قضای بدون کفاره بیان شد.
۲. زن حائض و زن نفساء.
۳. کافر مرتد، چه ارتداد او از نوع فطری باشد (یعنی اصالتاً مسلمان بوده و سپس مرتد شده باشد)، و چه از نوع کفر باشد (یعنی ابتدا کافر بوده، بعد مسلمان شده و دوباره مرتد و کافر شده باشد).
۴. مسافری که در سفر نماز خود را شکسته می‌خواند، باید روزه‌هایی را که در سفر از دست داده است قضا کند.
۵. هرکس پس از واجب شدن روزه، آن را ترک کرده باشد و جایگزینی برایش به جا نیاورده باشد؛ مثل کفاره جمع در میان ویژگی‌های کفاره، و روزه کفاره افطار در ماه رمضان برای کسی که نمی‌تواند بنده آزاد کند یا اطعام کند.

۶. کسی که به دلیل وجود بیماری مانع از روزه در ماه رمضان معذور بوده و نتوانسته است روزه اش را بگیرد، اگر پیش از ماه رمضان بعدی بهبود یافت باید قضا کند، ولی اگر بیماری اش تا ماه رمضان سال بعد ادامه یافت قضا بر او واجب نیست.
۷. زن بارداری که وضع حملش نزدیک است، و زن شیردهی که شیرش کم است و به دلیل زیان بار بودن برای جنین یا کودک مجاز به افطار در ماه رمضان است، باید قضای روزه ها را به جا بیاورد و برای هر روز یک مُد طعام صدقه بدهد.
۸. پیرمرد و پیرزن و بیماری که شدت عطش و تشنگی برای آنها ضرر دارد، مانند فرد مبتلا به دیابت، اینان از روزه گرفتن در ماه رمضان معاف هستند و به جای هر روز یک مُد طعام صدقه می دهند؛ حال اگر توانایی قضای روزه را داشته باشند قضا بر آنان واجب است، و اگر توانایی نداشته باشند قضا از آنان ساقط می شود.
۹. ولی میت روزه های واجبی را که میت نگرفته و در ذمه اش باقی مانده است قضا می کند؛ و جزئیات این مسئله خواهد آمد.

احکام قضای روزه

۱. کسی که ماه رمضان یا بخشی از آن را به دلیل کودکی، جنون، اغما و بیهوشی، یا کفر اصلی (یعنی کسی که از ابتدا کافر متولد شده و بعداً از دین اسلام مرتد نشده است) از دست داده باشد قضای آن بر او واجب نیست.
۲. کسی که قضا بر او واجب است، به ازای هر روزی که افطار کرده یک روز روزه قضا می گیرد؛ و مستحب است در قضا پیوستگی وجود داشته باشد (یعنی روزه ها را پشت سر هم بگیرد)، ولی می تواند قضای روزهایی را که قضایشان بر او واجب شده است به صورت پراکنده بگیرد.
۳. اگر کسی به دلیل سهل انگاری قضای روزه های ماه رمضان را تا رمضان بعدی به تأخیر بیندازد باید قضای آن روزه ها را به جا آورد و به ازای هر روزی که روزه اش فوت

شده است یک مُد (سه‌چهارم کیلوگرم معادل ۷۵۰ گرم) طعام به‌عنوان کفاره به مستحق بدهد.

۴. کسی که قضای ماه رمضان را ادا می‌کند می‌تواند پیش از زوال (اذان ظهر) افطار کند، چه عذر داشته باشد و چه نداشته باشد؛ اما اگر بعد از زوال افطار کند واجب است به‌همراه قضا، کفاره نیز بدهد و این کفاره عبارت است از غذا دادن به ده مسکین (برای هر نفر یک مُد طعام)؛ و اگر نمی‌تواند سه روز روزه بگیرد.

۵. اگر کسی به‌دلیل بیماری، روزه ماه رمضان یا قسمتی از آن را از دست بدهد و در همان بیماری فوت کند، قضای آن روزه‌ها به‌دلیل وجود بیماری بر او واجب نخواهد بود؛ اما قضای آن به‌عنوان عملی مستحب جایز است.

۶. اگر بیماری تا رمضان بعدی ادامه پیدا کند قضای روزه‌ها از او ساقط می‌شود، و برای هر روزی که به‌دلیل بیماری از او فوت شده است یک مُد طعام کفاره بدهد.

۷. اگر بیمار بعد از ماه رمضان و پیش از رمضان بعدی از بیماری خود بهبود یابد و قضای روزه‌های فوت‌شده را به تأخیر بیندازد درحالی‌که قصد داشته قضا کند، فقط قضا بر او واجب است و کفاره ندارد؛ اما اگر به‌دلیل سهل‌انگاری قضای روزه‌ها را به تأخیر بیندازد، هم قضا و هم کفاره‌ای به‌اندازه یک مُد طعام برای هر روز بر او واجب می‌شود.

۸. فرد بیماری که در زمان صحت و سلامتی روزه قضا بر ذمه‌اش بوده، اگر به بهبود بیماری‌اش امیدوار است منتظر می‌ماند تا بیماری‌اش بهبود یابد و سپس روزه‌ها را قضا می‌کند، و اگر قضای روزه‌هایش را تا رمضان بعدی به تأخیر انداخت برای هر روز یک مُد طعام کفاره می‌دهد؛ و اگر ترجیح داد کفاره روزه‌اش را با اطعام مسکینان بپردازد باید قبل از بهبود از بیماری به اطعام مسکینان مبادرت کند، و اگر بیماری‌اش مزمن باشد و نتواند روزه بگیرد فدیۀ معلوم به اندازه سه‌چهارم کیلوگرم غذا به‌عنوان کفاره بپردازد.

۹. اگر روز سی‌ام ماه رمضان را روزه گرفت و بعداً معلوم شد شب گذشته هلال عید رؤیت شده و عید فطر بوده است، یعنی اشتباهاً روز عید را روزه گرفته و نمی‌دانسته است، در صورتی که پیش از زوال (ظهر) متوجه شود باید افطار کند و نماز عید را بخواند، و اگر بعد از زوال متوجه شود فقط افطار کند و نماز عید از او فوت شده است.
۱۰. کسی که غسل جنابت را در ماه رمضان فراموش کرده باشد و بعد از چند روز یا حتی پایان ماه به یاد بیاورد روزه‌هایش صحیح است و فقط باید نمازهایی را که بدون غسل خوانده است قضا کند. همچنین زنی که غسل حیض یا نفاس را در رمضان فراموش کرده است فقط نمازهایشان را قضا می‌کند و روزه‌هایش را قضا نمی‌کند.
۱۱. کسی که پس از ایمان به دعوت حق (مهدوی) متوجه شود پیش از ایمانش روزه‌ای از ماه رمضان بر دمه‌اش مانده است باید آن را قضا کند.

قضای ولی از طرف میت

ولی میت، بزرگ‌ترین فرزند است در صورتی که پسر باشد؛ و بر او واجب است روزه‌های واجبی را که از والدینش (پدر و مادر) فوت شده است - چه از ماه رمضان، و چه غیر آن مانند نذر و امثال آن - قضا کند، چه فوت روزه به دلیل بیماری بوده باشد، و چه به علت دیگری مثل سفر، یا ترک روزه به جهت جهل به وجوب آن.

قضای روزه‌های فوت شده از میت (والدین) در دو حالت بر ولی واجب می‌شود:

- أ. آنچه میت می‌توانسته قضا کند ولی در انجامش کوتاهی کرده است؛ مثل کسی که روزه‌های ماه رمضان را از دست داده و درحالی که وقت کافی برای قضای روزه‌هایش داشته ولی سهل‌انگاری و کوتاهی کرده و قبل از این که روزه‌هایش را قضا کند فوت کرده است؛ که در این صورت پسر بزرگ‌ترش باید از طرف او قضا کند.

ب. روزه‌هایی را که در حین سفر از میت فوت شده است ولی از طرف او قضا می‌کند، حتی اگر میت در حین سفر از دنیا رفته، و فرصت بازگشت به وطن و قضا را نداشته باشد.

به این ترتیب روشن می‌شود اگر میت امکان ادای قضا را نداشته باشد ولی از طرف میت قضا نمی‌کند؛ مثلاً اگر کسی در دهه آخر ماه رمضان بیمار شود و در ابتدای ماه شوال فوت کند یا بیمار شود و بیماری‌اش که مانع از روزه گرفتن بوده تا زمان فوتش ادامه یابد و نتواند روزه بگیرد، در این صورت قضای روزه بر ولی واجب نیست؛ زیرا میت فرصت کافی برای قضای آنچه را از دست داده، نداشته است.

مسائل:

۱. اگر بزرگ‌ترین فرزند میت دختر باشد قضا بر او واجب نیست، و به‌جای آن از مال میت برای هر روز یک مُد (سه‌چهارم کیلوگرم معادل ۷۵۰ گرم) غذا صدقه داده می‌شود.

۲. اگر میت چند فرزند پسر داشته باشد که از نظر سنی دقیقاً با هم برابر باشند و حتی یک لحظه اختلاف نداشته باشند، مانند دوقلوهایی که با هم در یک لحظه به دنیا می‌آیند، یا فرزندان از چند همسر داشته باشد که با یکدیگر و در یک لحظه به دنیا آمده باشند، آن فرزندان در وجوب قضا از طرف میت با یکدیگر یکسان هستند، و این‌طور نیست که قضا فقط بر یکی از آنها واجب باشد، و واجب نیست یکی از آنها بیش از دیگران قضا را به جا آورد؛ بلکه قضا در میانشان به‌طور مساوی تقسیم می‌شود و هرکدام سهم خودش را قضا می‌کند.

۳. اگر بعضی از پسران یا دختران میت یا دیگران به‌طور داوطلبانه برای قضا از طرف میت پیش‌قدم شوند وجوب قضا از پسر بزرگ‌تر ساقط می‌شود.

۴. اگر روزه دو ماه پی‌درپی بر میت واجب بوده و او روزه نگیرد و از دنیا برود، ولی یک ماه را قضا می‌کند، و در ازای ماه دوم از اموال میت به‌ازای هر روز یک مُد طعام صدقه می‌دهد.

۵. همان‌طور که ولی باید قضای روزه‌های فوت‌شده پدر و مادر را به جا بیاورد، قضای نماز آنها نیز بر او واجب است؛ و او می‌تواند آن مقدار از نمازهای والدین را که فوت شده به‌صورت نماز یک شبانه‌روز (صبح، ظهر و عصر، و مغرب و عشا) در شب مبارک قدر ادا کند، و این کار به‌عنوان قضای نمازهای فوت‌شده میت کافی خواهد بود.

۶. قضای آنچه بر ذمه والدین است توسط فرزندان (دخترها و پسرها) مستحب است، و این کار از مصادیق نیکی به والدین و حتی از بهترین نیکی‌هاست، و ترک آن از جمله عاق‌های حرام است.

۷. اگر بر ذمه میت، کفاره‌ها یا واجباتی مثل حج و خمس و زکات یا بازگرداندن حق الناس باشد، اینها فقط بر عهده فرزند بزرگ‌تر نیست بلکه مسئولیت آن بر عهده تمام فرزندان است.

۸. اگر نوه‌ها بدانند پدر بزرگ یا مادر بزرگشان نماز یا روزه بر ذمه داشته است و آنها ولی یا مالی برای قضا نداشته‌اند، مستحب است قضای نماز و روزه آنها را به جا بیاورند یا از طرفشان صدقه بدهند.

۹. گرفتن پول در برابر نماز و روزه برای اموات باطل است، و انجام عبادات در مقابل دریافت پول صحیح نیست؛ زیرا در چنین نماز و روزه‌ای نیت تقرب به خداوند سبحان وجود ندارد، بلکه هدف دریافت پول است؛ چراکه اگر اجرتی در کار نبود برای میت نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت؛ پس نماز و روزه او به نیت قربت و نزدیکی به پول بوده است نه نزدیکی به خداوند سبحان.

البته دریافت پول و هزینه برای حج نیابتی جایز است، زیرا آن پول برای سفر و مخارج دریافت شده است، نه برای انجام خود عبادت.

۱۰. اگر میت پسر بزرگ‌تر نداشته باشد تا آنچه را بر ذمه والدینش است قضا کند، یا داشته باشد ولی نتواند نماز و روزه پدر و مادر را قضا کند، و کسی هم برای ادای نماز و روزه موجود بر ذمه میت داوطلب نباشد، در این صورت برای هر روز روزه یک مُد غذا و برای نماز هر شبانه‌روز نیز یک مُد طعام از طرف میت صدقه داده می‌شود.

مسائل مربوط به کسانی که افطار در ماه رمضان برایشان جایز است

۱. پیرمرد و پیرزن سال‌خورده، و بیماری که تشنگی برای او ضرر دارد مثل مبتلا به دیابت- مجاز به افطار در ماه رمضان هستند، و آنها باید به‌ازای هر روز، سه‌چهارم کیلوگرم غذا صدقه بدهند. اگر بعداً بتوانند قضا کنند قضا بر آنها واجب می‌شود و در غیر این صورت قضا از آنها ساقط می‌گردد.

اگر پیرمرد یا پیرزن از انجام روزه ناتوان باشند، پرداخت صدقه یک مُد طعام نیز از آنها ساقط می‌شود؛ زیرا همان‌طور که روزه به‌دلیل ناتوانی آنان ساقط شده، کفاره و صدقه نیز ساقط می‌گردد.

و هرکسی حُکمش پرداخت کفاره و صدقه به‌جای روزه باشد و به‌دلیل فقر نتواند آن را بپردازد، استغفار برایش کفایت می‌کند.

۲. زن بارداری که وضع حملش نزدیک شده و نیز زن شیردهی که شیرش کم است می‌توانند در ماه رمضان افطار کنند، ولی بعداً روزه‌ها را قضا کنند و به‌ازای هر روز یک مُد طعام صدقه بدهند.

۳. زن باردار: اگر پزشک معالج یا کسی که وضعیت زن باردار را پیگیری می‌کند ضرورت افطار را برای زن تأیید کند و این‌که روزه‌داری او در هر دوره‌ای از بارداری به‌جنین آسیب می‌رساند، در این صورت زن باردار حق دارد روزه را افطار کند، و بعداً قضایش را به‌جا بیاورد.

۴. مرضی که موجب وجوب افطار می‌شود و روزه در ماه رمضان با وجود آن بیماری صحیح نیست، مرضی است که روزه گرفتن به سبب آن ضرر برساند، به طوری که منجر به شدیدتر شدن بیماری، یا طولانی شدن مدت بهبودی، به دلیل عدم استفاده از دارو در روز و مانند آن شود؛ اما اگر بیماری به آن زیان نرساند و بر آن تأثیری نگذارد بر بیمار واجب است روزه بگیرد و روزه اش صحیح است.

۵. بیمار مبتلا به بیماری‌های مزمنی که به مصرف داروی خوراکی از طریق دهان نیاز دارد، در صورتی که فرد نتواند از مصرف دارو در طول روز خودداری کند و نتواند دارو را به صورت تزریق عضلانی یا وریدی جایگزین کند مجاز به افطار است؛ و اگر بیماری اش تا ماه رمضان بعدی ادامه داشت قضا از او ساقط می‌شود و به جای هر روز یک مُد طعام صدقه می‌دهد.

۶. کسی که قصد دارد در روزی که باید روزه بگیرد مثل ماه رمضان عمل جراحی انجام دهد اگر عمل ضروری باشد یا امکان تأخیر آن وجود نداشته باشد انجام آن جایز است؛ و اگر پزشک توصیه کند قبل از عمل دارویی خاص مصرف کند، می‌تواند پیش از عمل افطار کند.

همچنین اگر پس از عمل جراحی، پزشک به جهت مصرف دارو یا تسریع در بهبودی از او بخواهد افطار کند، افطار برای او جایز است، و در تمام این حالات جز قضای روزهایی را که افطار کرده است بر عهده اش نخواهد بود. همچنین انجام هر نوع عملی در بدن یا دهان در ماه رمضان یا در روزهایی که روزه اش بر او واجب است، در صورتی که فرد یقین ندارد موجب افطار می‌شود اشکالی ندارد؛ و اگر عمل جراحی آغاز شود یا در حین آماده سازی برای عمل، پزشک از او بخواهد افطار کند یا داروی خاصی میل کند می‌تواند افطار کند، و اگر خود عمل نیز منجر به افطار او شود باز هم اشکال نخواهد داشت، و در تمام این حالات جز قضا بر ذمه او نخواهد بود.

اما اگر عمل جراحی -چه در دهان و چه در بدن- ضروری نباشد و شخص یقین داشته باشد موجب افطار می‌شود، یا پزشک در حین آماده سازی برای عمل از او بخواهد

افطار کند، باید از انجام آن عمل در ایام ماه رمضان یا دیگر روزهایی که روزه‌شان واجب شده است خودداری کند.

۷. کشیدن دندان یا درمان آن در زمان روزه‌داری، اگر به صورت اختیاری انجام شود و فرد به طور معمول بداند نمی‌تواند از رسیدن ترشحات یا خون به حلق جلوگیری کند، در وقت روزه‌داری جایز نخواهد بود، اگر یقین داشته باشد این کار منجر به بلعیدن مقداری از خون یا ترشحات می‌شود؛ و بلعیدن عمدی خون، حرام و موجب باطل شدن روزه است.

۸. دانش‌آموزانی که زمان امتحاناتشان مصادف با ماه رمضان است و روزه باعث کاهش تمرکز و عدم پاسخ‌گویی به شکلی درست برایشان می‌شود، می‌توانند افطار کنند و فقط قضا بر آنها واجب خواهد بود.

۹. کسی که در کشوری زندگی می‌کند که روزه‌های ماه رمضان بسیار طولانی است به طوری که وقت روزه‌داری به بیش از ۱۸ ساعت می‌رسد، و روزه‌داری باعث خستگی مفرط می‌شود به طوری که تحمل آن برایش دشوار است می‌تواند افطار کند و در وقت مناسب روزه را قضا نماید؛ زیرا خداوند هیچ‌کس را بیش از توانش مکلف نمی‌کند.

۱۰. کسی که در شرایط کاری سخت و طاقت‌فرسا قرار دارد به طوری که روزه‌داری برایش دشوار است، باید روزه را امتحان کند، و اگر بین الیه دید نمی‌تواند روزه را کامل کند، می‌تواند افطار کند و بعداً روزه‌اش را قضا می‌کند.

هرکس به حال خودش آگاه است، و خود او کسی است که میان خودش و خداوند درباره تاب و توانش برای تحمل در شرایط سخت و طاقت‌فرسا تصمیم می‌گیرد.

۱۱. برخی مؤمنان در محل‌هایی بسیار گرم کار می‌کنند و کارشان سخت و طاقت‌فرسا است و نمی‌توانند روزه را تحمل کنند، و در صورتی که روزه بگیرند مجبور به ترک کار می‌شوند، و ترک کار نیز به دلیل فقرشان بر وضعیت معیشتی‌شان اثر می‌گذارد؛ بنابراین اگر کار کنند روزه‌داری برایشان سخت می‌شود و مجبور می‌شوند

روزه خود را افطار کنند. چنین افرادی روزه بگیرند و (تا حد امکان) در ماه رمضان برای رفع هزینه‌هایشان از بیت‌المال به آنها کمک مالی می‌شود.

۱۲. دختری که به سن تکلیف رسیده روزه بر او واجب است، اما اگر به دلیل ضعف بنیه‌اش، به‌ویژه در روزهایی که روز طولانی و بسیار گرم است، نتواند روزه را تحمل کند می‌تواند افطار کند و قضا بر او واجب می‌شود.

۱۳. مسافر در هر جا که نماز را شکسته می‌خواند روزه‌اش را می‌شکند، و در هر جا که نماز را کامل می‌خواند روزه‌اش نیز کامل است. اگر از جایی که نماز را کامل می‌خواند خارج شود و به جایی که به اندازه مسافت شرعی دورتر است برود، فقط پس از عبور از حد ترخص (جایی که صدای اذان وطنش شنیده نمی‌شود و فاصله‌اش ۱۰۰۰ متر است) می‌تواند افطار کند؛ در غیر این صورت اگر قبل از آن افطار کند، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

۱۴. مسافری که شرایط نماز شکسته را دارد باید افطار کند؛ و اگر در سفر روزه بگیرد و بداند باید افطار کند روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند؛ اما اگر روزه‌دار بود و از حکم اطلاع نداشت، یعنی از وجوب شکستن نماز و افطار کردن اطلاع نداشت، روزه‌اش صحیح است و قضا بر عهده‌اش نخواهد بود.

۱۵. اگر مسافر پس از زوال (وقت اذان ظهر) از وطن خود خارج شود، یا قبل از زوال به وطن یا محل اقامتش یا جایی وارد شود که نماز را در آن کامل می‌خواند، در این حالت می‌تواند روزه‌اش را ادامه دهد. نکته مهم این است که در وقت زوال، در جایی که باید نماز را شکسته بخواند قرار نداشته باشد؛ زیرا زوال، پایان زمان نیت روزه است و هنگام نیت باید تمام شرایط صحت روزه برقرار باشد، که از جمله آنها حضور در وطن یا مکانی با حکم وطن است.

۱۶. سفر غیرضروری در ماه رمضان که موجب وجوب افطار می‌شود، اگرچه از نظر شرعی جایز است، اما بهتر است از آن پرهیز شود و روزه حفظ گردد؛ زیرا کجا می‌توان

روزهایی همچون روزهای ماه رمضان یافت که انسان در آنها برای خداوند تبارک و تعالی روزه بگیرد.

۱۷. کسی که در شب ماه رمضان به خواب برود و خواب او تا بعد از زوال (ظهر) روز بعد ادامه یابد، اگر قبل از خواب نیت روزه کرده باشد روزه اش صحیح است و قضا ندارد؛ و حتی اگر قبل از فرارسیدن ماه رمضان، نیت روزه تمام ماه را کرده باشد همان طور که قبلاً بیان شد همان نیت برای صحت روزه کافی خواهد بود. اما اگر اصلاً نیت روزه نکرده باشد باید آن روز را قضا کند؛ زیرا زمان نیت گذشته است و پس از نیمروز دیگر نمی توان نیت کرد.

۱۸. بر دیوانه یا کسی که بیهوش شده است قضا واجب نیست، چه دیوانگی یا بیهوشی یک روز طول بکشد و چه چند روز، و چه قبل از دچار شدن به آن نیت روزه کرده باشد و چه نکرده باشد، و چه با چیزهایی که روزه را باطل می کند مثل خوردن یا نوشیدن یا شیاف با مایع درمان شده باشد چه نشده باشد، و حتی با چیزهایی که روزه را باطل نمی کند مثل داغ کردن یا بخور دادن و مانند آن معالجه شده باشد. علت عدم وجوب قضا در تمام این حالات، ساقط شدن تکلیف از آنها به سبب دیوانگی یا بیهوشی است.

۱۹. کسی که در ماه رمضان مجاز به افطار است پرخوری برایش مکروه است و بهتر است از افراط در خوردن و نوشیدن پرهیز کند. جماع در روز نیز برای چنین فردی مکروه است و او باید حرمت ماه مبارک را رعایت کند.

کسانی که مستحب است از مفطرات خودداری کنند

کسی که روزه اش را به دلیل انجام یکی از مفطرات باطل کرده، یا به دلیل عذری معین در ماه رمضان مجاز به افطار بوده و سپس عذرش در طول همان روز برطرف شده، مستحب است تا هنگام غروب از مفطرات خودداری کنند. این خودداری به عنوان نوعی تأدیب و احترام

به حرمت ماه رمضان است، نه روزه شرعی؛ و این افراد عبارت‌اند از:

۱. مسافری که پس از نیمروز (ظهر شرعی) وارد وطن یا شهری می‌شود که قصد اقامت ده روز یا بیشتر در آنجا دارد، یا قبل از ظهر وارد شده ولی در طول مسیر افطار کرده است؛ اما اگر قبل از اذان ظهر وارد وطن یا محل اقامتش شود و هنوز چیزی نخورده باشد باید نیت روزه را تجدید کند و روزه‌اش را به پایان برساند.
۲. بیمار، در صورتی که پس از نیمروز (اذان ظهر) بهبود یابد، یا قبل از نیمروز بهبود یافته ولی افطار کرده باشد؛ اما اگر قبل از نیمروز (اذان ظهر) بهبود یابد و چیزی نخورده باشد باید روزه بگیرد.
۳. زن حائض یا نفساء، اگر در طول روز پاک شود.
۴. پسری که در طول روز به سن بلوغ می‌رسد و قبل از آن افطار کرده باشد؛ اما اگر قبل از ظهر به سن بلوغ برسد و هنوز مفطری انجام نداده باشد باید روزه بگیرد.
۵. کافری که در طول روز مسلمان شود.
۶. دیوانه‌ای که در طول روز هوشیار شود.
۷. بیهوشی که در طول روز به هوش بیاید.

نکته: اگر عذر کافر، نابالغ، دیوانه یا بیهوش قبل از زوال برطرف شود و مفطری انجام نداده باشد واجب است روزه بگیرد.

روزه‌های کفاره‌ای

روزه‌های کفاره‌ای به سه دسته تقسیم می‌شوند:^۱

دسته اول: آنچه روزه به همراه سایر کفاره‌ها واجب می‌شود؛ که شامل دو مورد است:

۱. کفاره قتل عمد.

۲. کسی که در ماه رمضان عمداً با چیزی که شرعاً حرام است افطار کند.

کفاره در این دو حالت «کفاره جمع» نامیده می‌شود؛ یعنی شخص باید هر سه ویژگی کفاره را هم‌زمان انجام دهد که عبارت‌اند از: آزاد کردن یک برده، روزه گرفتن دو ماه پیاپی، و غذا دادن به شصت مسکین.

دسته دوم: آنچه روزه بعد از ناتوانی از سایر کفاره‌ها واجب می‌شود، که شامل شش مورد

است:

۱. کفاره قتل غیرعمد.

۱. سید احمد الحسن در کتاب «شرایع» نوع چهارمی را نیز ذکر کرده که در اینجا از بیان آن خودداری شده است، زیرا در زمان ما نیازی به آن وجود ندارد. این نوع عبارت است از روزه‌ای که پس از ناتوانی از انجام گزینه‌های دیگر واجب می‌شود و میان آن و دیگری اختیار وجود دارد؛ و فقط یک مورد را شامل می‌شود:

کفاره کسی که با کنیزی که با اجازه خودش مُحرم شده است نزدیکی کرده باشد؛ که عبارت است از یک شتر ماده، یا یک گاو، یا یک گوسفند؛ و اگر تنگ‌دست باشد یا یک گوسفند قربانی کند، یا سه روز روزه بگیرد.

مشاهده می‌کنیم «روزه» در صورت ناتوانی از قربانی کردن شتر یا گاو یا گوسفند، در صورت تنگ‌دستی به صورت اختیار میان روزه یا یک گوسفند قرار می‌گیرد.

۲. کفاره ظهار؛ یعنی مرد به همسرش بگوید «تو برای من همانند پشتِ مادرم هستی^۱»؛ این کار حرام است و با انجامش کفاره واجب می‌شود و قبل از نزدیکی با همسرش باید آن را بپردازد.

کفاره در این دو مورد عبارت است از ابتدا آزاد کردن یک بنده، و اگر از انجام آن ناتوان بود دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد، و اگر از انجام این هم عاجز بود شصت مسکین را اطعام کند.

۳. کفارهٔ افطار در قضای روزهٔ ماه رمضان پس از نیم‌روز (ظهر شرعی)؛ و کفاره‌اش عبارت است از اطعام ده مسکین، و اگر ناتوان باشد سه روز پی‌پی روزه بگیرد.

۴. کفارهٔ شکستن سوگند؛ که عبارت است از آزاد کردن یک بنده، اطعام یا پوشاندن لباس به ده مسکین، و اگر ناتوان بود، باید سه روز روزه بگیرد.

۵. کفارهٔ ترک عمدی عرفات پیش از غروب (یعنی اگر پیش از غروب خورشید از عرفات خارج شود) و عبارت است از یک شتر، و اگر نتوانست هجده روز روزه بگیرد.

۶. کفارهٔ شکار برای حاجی. شکار کردن در حالت احرام برای حاجی حرام است، و برای هر نوع شکار کفاره‌ای تعیین شده که در صورت ناتوانی از ادای آن، باید روزه بگیرد؛ و حکم آن به تفصیل در کتاب حج آمده است.

۷. کفاره پاره کردن پیراهن از سوی مرد در سوگ فوت همسر یا فرزندش، یا خراشیدن صورت و کندن مو توسط زن هنگام مصیبت. این کفاره نیز همانند کفارهٔ شکستن سوگند است یعنی آزاد کردن یک بنده، یا اطعام یا پوشاندن ده مسکین؛ و اگر نتوانست باید سه روز روزه بگیرد.

دسته سوم: آنچه روزه‌دار در آن مخیر است روزه بگیرد یا یکی از کفاره‌های دیگر را انجام دهد؛ که شامل پنج مورد است:

۱. «أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي» به این معناست که تو بر من حرامی، همان گونه که پشت مادرم بر من حرام است. (مترجم)

۱. کسی که عمداً یکی از روزهای ماه رمضان را افطار کرده است؛ در این حالت فرد مخیر است میان آزاد کردن بنده، یا دو ماه روزه پیاپی، یا اطعام شصت مسکین.
۲. شکستن نذر و عهد؛ که کفاره‌اش همانند قبلی است؛ یعنی بین هرکدام از سه ویژگی کفاره مخیر است.
۳. اعتکاف واجب؛ و کفاره آن نیز به صورت اختیاری از میان سه ویژگی کفاره است (آزاد کردن بنده، دو ماه روزه پیاپی، یا اطعام شصت مسکین).
۴. کندن موی سر توسط زن هنگام مصیبت؛ که کفاره آن نیز اختیاری از میان سه ویژگی کفاره‌هاست.
۵. کفاره تراشیدن سر در حال احرام؛ که مخیر است میان قربانی کردن یک گوسفند، یا اطعام ده مسکین هرکدام با یک مُد غذا، یا گرفتن سه روز روزه.

احکام اعتکاف

اعتکاف: به ماندن طولانی مدت در مسجد برای عبادت گفته می شود.

این عمل از عبادات مستحبی در شریعت اسلام است، و گاهی به واسطه نذر یا عهد یا قسم واجب می شود. اعتکاف زمان معینی ندارد و می توان آن را در هر زمانی انجام داد، مگر در اوقاتی که روزه گرفتن در آنها صحیح نیست.

بهترین زمان اعتکاف، ماه مبارک رمضان است، و در روایات بسیاری به آن توصیه و تشویق شده است؛ از جمله:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است، فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله دهه اول ماه رمضان را معتکف می شد؛ سپس در دهه میانی، و سپس در دهه سوم اعتکاف می نمود؛ و پس از آن ایشان صلی الله علیه و آله همواره در دهه آخر ماه رمضان معتکف می شد.»^۱

از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اعتکاف ده روز در ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره.»^۲

از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل شده است، فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی دهه آخر ماه رمضان فرامی رسید در مسجد اعتکاف می کرد. برای او خیمه ای از موی بز برپا می کردند، و ایشان برای عبادت کمر همت می بست و بسترش را جمع می نمود.»^۳

۱. وسائل الشیعة: باب ۱، از ابواب اعتکاف، حدیث ۴.

۲. وسائل الشیعة: باب ۱، از ابواب اعتکاف، حدیث ۳.

۳. وسائل الشیعة: باب ۱، از ابواب اعتکاف، حدیث ۱.

شرایط درستی اعتکاف

اعتکاف از سوی کسی صحیح خواهد بود که دو شرط در او فراهم باشد:

۱. مکلف باشد؛ یعنی بالغ و عاقل باشد.
۲. مؤمن به خدا و رسول خدا و اوصیایش (عج) باشد.

کسی که یکی از این دو شرط یا هر دو را نداشته باشد اعتکافش صحیح نیست؛ مثل فرد نابالغ، یا کسی که مؤمن نیست.

شرایط اعتکاف

در اعتکاف باید شش شرط فراهم باشد:

۱. نیت:

از آنجا که اعتکاف در اصل یک عبادت است، پس نیت قربت به خداوند تبارک و تعالی در آن شرط است.

اعتکاف در اصل مستحب است، پس معتکف آن را با نیت استحباب انجام می‌دهد؛ اما اگر اعتکاف بر او واجب شده باشد باید با نیت واجب انجامش دهد.

اعتکاف در حالت‌های زیر واجب می‌شود:

أ. نذر و مانند آن؛ یعنی وقتی مکلف نذر کرده باشد اعتکاف کند.

ب. اگر دو روز را در اعتکاف سپری کرده باشد اعتکاف روز سوم بر او واجب می‌شود.

معتکف می‌تواند اعتکاف مستحب خود را هر وقت بخواهد قطع کند، مگر این که دو روز از آن را گذرانده باشد که در این صورت روز سوم را باید به جا بیاورد.

۲. روزه:

اعتکاف عبادتی مشروط به روزه است؛ بنابراین اعتکاف فقط در زمانی صحیح است که معتکف بتواند در آن روزه بگیرد.

پس اعتکاف در روز عید فطر و عید قربان صحیح نیست؛ و از زن حائض یا نفساء نیز پذیرفته نمی‌شود.

مسائل:

۱. اگر کسی دو روز قبل از عید اعتکاف را شروع کرده باشد، مثلاً کسی که روز ۲۸ رمضان اعتکاف را آغاز کند و روز سوم از اعتکافش مصادف با روز عید فطر شود، در این حالت اعتکاف او صحیح نیست و باید آن را قطع کند.
۲. اعتکاف از مسافر پذیرفته است، چه نمازش شکسته باشد و چه تمام.

۳. زمان:

اعتکاف کمتر از سه شبانه‌روز متوالی صحیح نیست. شمارش ایام اعتکاف از طلوع فجر روز اول شروع می‌شود و تا طلوع فجر روز چهارم ادامه می‌یابد، و به این ترتیب سه روز و سه شب کامل می‌شود.

مسائل:

۱. کسی که اعتکاف مستحبی انجام می‌دهد، میان کامل کردن یا قطع اعتکاف مختار است، اما اگر دو روز را معتکف بود کامل کردن روز سوم واجب می‌شود.
۲. اگر در روز سوم اعتکاف مستحب آن را رها کند و از مسجد خارج شود، قضا بر او واجب نیست.
۳. اگر کسی پنج روز پیایی اعتکاف مستحبی انجام دهد می‌تواند انصراف دهد و واجب نیست روز ششم را به آن ضمیمه کند.

۴. کسی که فقط نذر اعتکاف کرده و مدت اعتکافش را مشخص نکرده، باید سه روز اعتکاف کند؛ زیرا اعتکاف با کمتر از سه روز محقق نمی‌شود.

۵. کسی که با مدتی مشخص نذر کرده اعتکاف کند، مثلاً نذر کرده چهار روز معتکف باشد، اگر شرط پی‌درپی بودن در نذر باشد باید آن را پشت‌سرهم به‌جا آورد، ولی اگر شرط توالی در نذرش نباشد سه روز را پشت‌سرهم معتکف می‌شود و اگر توانست روز چهارم را هم اضافه می‌کند، در غیر این صورت باید قضای آن روز را به‌جا آورد؛ یعنی یک اعتکاف سه‌روزه دیگر برای قضای روز چهارم به‌جا آورد.

۶. کسی که نذر کرده یک ماه مشخص را اعتکاف کند و شرط تنابع (پشت‌سرهم بودن) برایش نگذاشته باشد، هر مقداری را (مثلاً ده روز) که اعتکاف کرده باشد صحیح است و باقی‌مانده روزهای ماه را قضا می‌کند؛ اما اگر شرط توالی را در آن یک ماه اعتکاف لحاظ کرده باشد (مثل کسی که نذر کرده ماه شعبان را به‌طور کامل معتکف شود) و برخی از روزها را به‌جا آورد و مابقی ایام را به‌دلیل سهل‌انگاری رها کرده باشد، در این حالت باید به اعتکافش برگردد و کل ماه را از نو معتکف شود (یعنی ماه شعبان را به‌طور کامل اعتکاف کند).

۷. اگر کسی نذر کند ماه خاصی (مثل شعبان) را معتکف شود ولی متوجه فرارسیدن آن ماه نشود تا این که ماه رمضان فرا برسد مثل زندانی یا کسی که فراموش کرده است. قضای آن بر او واجب می‌شود.

۸. کسی که نذر کند فقط یک روز معتکف شود نه بیشتر، نذرش منعقد نمی‌شود؛ زیرا اعتکاف کمتر از سه روز نمی‌شود.

۹. اگر کسی نذر کند روز دوم از آمدن فلان شخص را اعتکاف کند، نذرش صحیح است، ولی باید دو روز دیگر را نیز به آن اضافه کند تا سه روز کامل شود.

۴. مکان:

اعتکاف فقط در یکی از این چهار مسجد صحیح است: مسجد مکه مکرمه، مسجد النبی

در مدینه منوره، مسجد جامع کوفه، و مسجد بصره؛ یا مسجدی که در آن نبی یا وصی نماز جماعتی خوانده باشد.

۵. اجازه داشتن:

کسی که تحت ولایت و سرپرستی شخص دیگری است باید از سرپرست خود اجازه بگیرد؛ مثل بنده‌ای که باید از صاحبش اجازه بگیرد، یا زنی که باید از شوهرش اجازه بگیرد.

البته این «اجازه گرفتن» فقط در اعتکاف مستحب شرط است، و ولی و کسی که سرپرست اوست می‌تواند قبل از شروع اعتکاف یا در حین آن از ادامه آن جلوگیری کند، مگر این که اعتکاف واجب شده باشد (مثلاً دو روز از اعتکاف مستحب گذشته، یا نذر کرده باشد)، که در این صورت اجازه ولی شرط نیست و او نمی‌تواند مانع اعتکاف شود.

۶. استمرار ماندن در مسجد:

اگر معتکف قبل از پایان سه روز بدون دلیلی که خروج او را از مسجد مجاز کند -چه با اختیار و چه به اجبار- از مسجد خارج شود اعتکافش باطل می‌شود، و در این حکم تفاوتی میان اعتکاف واجب و مستحب نیست.

مسائل:

۱. معتکف می‌تواند برای امور ضروری از مسجد خارج شود، از جمله رفع نیاز، حضور در تشییع جنازه، عیادت بیمار، مشایعت مؤمن، شهادت نزد قاضی.
۲. اگر معتکف برای عیادت بیمار از مسجد خارج شود و در راهش از بازار عبور کند و توقفی در آن داشته باشد و مشابه آن، این به صحت اعتکاف او ضرری نمی‌رساند.
۳. مشایعت مؤمن که باعث خروج معتکف از مسجد شود اعتکاف را باطل نمی‌کند، حتی اگر مسیر مشایعت طولانی باشد، به طوری که از مکان اعتکافش بسیار دور شود.

۴. معتکف می‌تواند برای مقاصدی همچون بیان حق به جویندگانش، شرکت در مناظره میان حق و باطل، حضور در مراسم ازدواج مؤمن، رسیدگی به امور ضروری اهل و عیالش، خرید غذا یا نوشیدنی یا دارو از مسجد خارج شود، و همین‌طور امور دیگری که مستلزم خروج وی از محل اعتکاف می‌شود.

۵. معتکف باید کارهایش و اهمیتشان و ضرورت خروجش برای انجام دادن آنها را بسنجد، به‌طوری که زمان خروج او یک شبانه‌روز یعنی «۲۴ ساعت پیوسته» طول نکشد.

۶. اگر کسی اعتکاف روزهایی مشخص را نذر کند و در شرط خود تتابع را آورده باشد و قبل از کامل کردن اعتکاف از مسجد خارج شود، تمام اعتکافش باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد؛ اما اگر بعد از گذشت سه روز از مسجد خارج شود اعتکاف او صحیح است. همچنین اگر قبل از کامل کردن سه روز اعتکاف، سهواً از مسجد خارج شود اعتکافش صحیح است.

۷. اگر معتکف برای انجام اموری ضروری از مسجد خارج شود نباید زیر سایه راه برود و بنشیند؛ یعنی در طول مسیرش نباید برای استراحت بنشیند، اما هنگام عیادت بیمار نشستن در محل سایه‌دار اشکال ندارد؛ زیرا او معتکف بوده و برای انجام کاری ضروری خارج شده است، و در نتیجه صحیح نیست زیر سایه قدم بزند یا مقداری از وقتش را در مسیر بنشیند، بلکه باید نیازش را برآورده کند و برای برآورده کردن نیازش به قدر ضرورت بسنده کند، مثل سوار شدن به ماشین، یا وارد شدن به بازار یا خانه یا مشابه آن، و سپس به اعتکافش بازگردد.

۸. معتکف مجاز نیست خارج از مسجد نماز بخواند، مگر در شهر مکه مکرمه که مجاز است در هر نقطه‌ای از آنجا بخواند نماز بخواند.

انواع اعتکاف

اعتکاف به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. واجب: اعتکافی است که مکلف به واسطه نذر، عهد یا قسم بر خود واجب کرده است، و با شروع آن، واجب می‌شود.
۲. مستحب: اعتکافی است که داوطلبانه انجام می‌شود، و ادامه دادن و کامل کردنش واجب نیست مگر این‌که دو روز از آن گذشته باشد، که در این صورت باید روز سوم را نیز کامل کند.

مسائل:

۱. اگر نذر اعتکاف کرده و شرط کرده باشد هر زمان بخواهد از اعتکاف بازگردد و آن را ترک کند، می‌تواند به شرط عمل کند و اگر اعتکاف را ترک کند قضای آن بر او واجب نخواهد بود، اما اگر چنین شرطی نکند انجام آن واجب می‌شود و اگر آن را نیمه‌کاره رها کند باید قضایش را به جا آورد.
۲. اگر کسی اعتکاف واجب را آغاز کند و در اثنای آن و قبل از کامل کردنش فوت کند، قضای آن بر عهده ولیّ او (پسر بزرگ‌تر) واجب خواهد بود.
۳. اگر کسی اعتکاف مستحب را شروع کند و آن را بشکند، قضای آن بر او واجب نخواهد بود.
۴. اگر کسی سه روز را به‌صورت پراکنده اعتکاف کند اعتکافش صحیح نیست؛ زیرا توالی روزها در اعتکاف شرط است.

اموری که بر معتکف حرام می شود

بر معتکف شش چیز حرام است:

۱. تماس با زنان، بوسیدن و جماع با آنان.
۲. بوییدن عطر و رایحه خوشبو.
۳. خارج کردن منی، چه از راه حلال مثل بدن همسر، و چه از راه حرام مثل استمنا.
۴. فروش.
۵. خرید.
۶. بحث و جدل؛ یعنی برای غلبه و پیروزی خودش و نه برای روشن شدن حق، به بحث و جدل پردازد.

مسائل:

۱. آنچه در روز بر فرد معتکف حرام است، در شب نیز حرام است، به جز افطار (خوردن و آشامیدن) که در شب جایز است.
۲. خرید غذا و نوشیدنی و دارو و سایر نیازهای ضروری برای معتکف جایز است.
۳. پوشیدن لباس دوخته شده، اصلاح مو یا ریش، خوردن گوشت شکار، و جاری کردن صیغه نکاح برای معتکف حرام نیست.
۴. برای معتکف رسیدگی به امور معیشتی اش (غیر از خرید و فروش) مثل پیگیری کارهای شغلی- مجاز است. پرداختن به امور مباح مثل مطالعه، سرودن شعر، صحبت با دیگران و مانند آن- نیز جایز است.

آنچه اعتکاف را باطل می‌کند

که شامل چند مسئله است:

- اول: هرچیزی که روزه را باطل می‌کند - مثل جماع و خوردن و آشامیدن - اعتکاف را نیز باطل می‌سازد. در اعتکاف مستحب، اگر فرد در روز اول یا دوم آن را باطل کند كفاره‌ای بر عهده‌اش نیست؛ ولی اگر در روز سوم آن را باطل کند، از آنجا که با ورود به روز سوم اعتکاف واجب می‌شود كفاره بر او واجب خواهد شد؛ و در اعتکاف واجب، هروقت آن را باطل کند كفاره بر او واجب می‌شود.
- اگر معتکف در اعتکاف واجب، در شب (چه در ماه رمضان و چه در ماه‌های دیگر) با همسرش جماع کند فقط یک كفاره بر او واجب می‌شود؛ اما اگر در روز ماه رمضان با همسرش جماع کند دو كفاره بر او واجب می‌شود: یکی به دلیل افطار عمدی در روز ماه رمضان، و دیگری به دلیل باطل کردن اعتکاف.
- دوم: اگر معتکف در حین اعتکاف از اسلام مرتد شد، باید از مسجد خارج شود و اعتکافش باطل می‌شود.
- سوم: اگر مردی همسرش را درحالی که هر دو معتکف هستند در روز ماه رمضان وادار به جماع کند دو كفاره بر او واجب می‌شود.
- چهارم: اگر زنی اعتکاف را شروع کند و در طول آن شوهرش او را طلاق رجعی دهد باید از مسجد خارج و به خانه‌اش بازگردد (زیرا بر زن مطلقه رجعی واجب است در خانه‌اش بماند و از آن خارج نشود)؛ و پس از پایان عده، اگر اعتکاف واجب بوده یا اعتکاف مستحب بوده و دو روز هم از آن گذشته باشد، باید آن را قضا کند؛ اما اگر اعتکاف مستحب بوده و پیش از سپری شدن دو روز طلاقش منعقد شده باشد قضای آن مستحب خواهد بود.
- پنجم: همان‌طور که پیش‌تر گفته شد خرید و فروش برای معتکف حرام است، و اگر خرید و فروشی انجام دهد گناه کرده ولی اعتکافش باطل نمی‌شود.

- ششم: اگر معکتف کاری انجام دهد که باعث وجوب کفاره بر ذمه‌اش شود، درست مثل کفاره افطار عمدی در ماه رمضان خواهد بود، یعنی اختیار دارد بین آزاد کردن یک بنده، یا روزه گرفتن دو ماه پیاپی، یا اطعام شصت مسکین.

تا اینجا به حمد و توفیق الهی- کتاب روزه و احکام مربوط به آن که تا زمان نشر این کتاب از سوی سید احمد الحسن (علیه السلام) صادر شده است به پایان رسید.